

یورش مسلحانه پاسداران و اوباشان به دانشگاه تهران صدها زخمی و چندین کشته بر جای گذاشت

## خون سرخ شهدای دانشگاه

# سنگر مقاومت و آزادی خلق را مستحکم تر ساخت

تهاجم گسترده هیئت حاکمه به دانشگاهها و مراکز آموزشی که برای سرکوب نیروهای انقلابی و نابودی آزادیهای سیاسی تدارک دیده شده با مقاومت	دلیرانه دانشجویان و دانش آموزان روبرو شده است. این تهاجم که به رهبری حزب جمهوری اسلامی و شورای انقلاب و با بسیج اوباشان و اعزام نیروهای سرکوب به	صحنه دانشگاهها و مراکز آموزشی آغاز شد تاکنون صدها مجروح و چند شهید دانشجو داشته است. بیمارستانهای شهرهای
------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	----------------------------------------------------------------------------------------------------------

## کردستان :

### یورش سرکوبگرانه ارتش و مقاومت دلاوران خلق

به دنبال تحریکات جنگ - ۱۵۰ نفر و با تجهیزات کامل امروزانه ارتش در مناطق اشنویه و کاماران، این بار اعلام کردند که یک ستون ارتشی با نیرویی در حدود

### شکست سرکوب دانشجویان پیروزی جنبش انقلابی خلق

مقاومت قهرمانانه دانشجویان پیشگام و سایر دانشجویان ترقیخواه در برابر تهاجم سازمان یافته به دانشگاهها و مراکز آموزشی که متوجه سلب حقوق دموکراتیک و آزادیهای سیاسی بود پیروزی بزرگی برای جنبش انقلابی دانشجویی آفرید. این مقاومت که با صدها زخمی و چندین شهید آغاز شده و در اشکال گوناگون تداوم دارد شکست بزرگی برای جمهوری اسلامی ایران به حساب می آید.

بدون تردید دلایل طراحی سیاست سرکوب جنبش انقلابی دانشجویی ایران را نمیتوان و نباید تنها در ابعاد دانشگاهها و مدارس عالی و مسائل مربوط به آن جستجو نمود. رشد و گسترش مبارزات ضد امپریالیستی و بر زمینهای آن عمق و وسعتی که مبارزه طبقاتی در جامعه ما دارد در طراحی این سیاست نقش درجه اول داشته است. در عین حال سیاست " تثبیت قدرت " رئیس جمهور و تلاشهای مذبوحانه ای که حزب جمهوری اسلامی برای جلوگیری از ورشکستگی سیاسی و فرهنگی خود دنبال می کند برای درک چگونگی تهاجم به دانشگاهها و سرکوب جنبش انقلابی دانشجویی از بیشترین اهمیت برخوردار است. بقیه در صفحه ۲

### انگام نیرو این مردم فریبی ها را افشا کنیم

پاسداران و اوباشان بهترین فرزندان انقلابی خلق را در صحن دانشگاهها نابود نموده اند به شهادت رسانیده اند اما رئیس جمهور در سخنرانی دیروز خود اطمینان داد که سینه دانشجویان انقلابی را گلوله های خود آنان شکافته است. او دروغی را که در مورد ترور توماسو همزمان گفته بود، یکبار دیگر تکرار کرد.

بمناسبت یکصد و دهمین سالروز تولد لنین آموزگار بزرگ کارگران و زحمتکشان سراسر جهان

## در کردار به آموزش های لنین وفادار مانیم !

رفیق لنین وظیفه کمونیستها را در برخورد با تئوری انقلابی در یک کلمه خلاصه می نمود :  
"آموختن". این وظیفه همان توصیه مشهور انگلس را در بر داشت که می گفت " از وقتی که سوسیالیسم تبدیل به علم شده است باید با آن به مثابه علم برخورد نمود. یعنی آنرا آموخت."  
لنین تاکید داشت کسب معلومات کتابی درباره کمونیسم از روی رسالات و تالیفات کمونیستی بدون کار و بدون مبارزه، واجد هیچگونه ارزشی نیست.

در صفحه ۱۲

## مسئله نان و سیاست های دولت

اکنون بار دیگر مسئله نان در صدد برآمد که این مسئله برای مصرف کنندگان را در ظاهر به نفع مستضعفین زحمتکش مطرح شده است. به حل کند ولی در عمل با طرح همین دلیل وزارت بازرگانی تصویب شده خود تنها به تثبیت گرانی نان کمک کرد و مشکلات جدیدتری برای زحمتکشان به وجود آورد.

در صفحه ۹

### در این شماره :

سازمان یکارو...

#### بیگانه با توده ها و کسب اعتماد توده های

در صفحه ۱۱

#### کنفرانس لیبی،

اتحاد کمونیست ها و دیگر نیروهای ضد امپریالیست در شتل

در صفحه ۶

#### حسابه نهاد رفقا برین و همبرمان گرامی باد

#### مادر توماج :

بالاخره بنی صدر نکست عاملین شهادت فرزندان دلاور خلق ترکمن چه کانی هستند؟

در صفحه ۱۶

#### مردم بی خواهدند

امپریالیسم کس؟ چگونه می توان با گرانی و بیکاری و فقر مبارزه کرد؟ صدا و سمای جمهوری اسلامی بحث بر سر مسائل ایدئولوژیک را داس می زند!

در صفحه ۷

#### با یحیی اعلامه های جعلی به نام سازمان های انقلابی

راديو بغداد علیه مردم ایران تبلیغ می کند

در صفحه ۱۶

فرماندهان ارتش تجارب ارتش آمریکا در ویتنام را در کردستان بکار می گیرند

در صفحه ۲

گرامی باد حماسه شهادت دلاوران دانشجویان رزمنده و انقلابی دانشگاههای ایران

کتابخانه  
سازمان چریکهای فدائی

## یورش سرکوبگرانه . . .

بقیه از صفحه ۱

از هاری و اویسی فرماندهان سابق ارتش نیز می‌گفتند که "اینها مردم نیستند بلکه گروهی فریب خورده هستند که روی پشت بام‌ها نوار می‌گذارند و در جوی‌های آب گرد قرمز می‌ریزند تا نشان دهند وضع غیرعادی است و گرنه اوضاع بسیار عادی است و مردم مشغول کار خودشان هستند". اینک نیز فرماندهان فعلی ارتش، این فرزندان خلف‌از هاری‌ها و اویسی‌ها از همان تاکتیک رسوا شده استفاده کرده و اظهار می‌دارند که تنها عده معدودی "ضدانقلاب" است که مانع عبور ستون‌های ارتشی می‌شوند. اما این تبلیغات پوچ در روحیه مردم

ستون به شهر جلوگیری کردند. ارتش به سبک دوران گذشته شروع به تهدید و بلوف‌های توخالی کرده و اظهار کردند که: "ستون نظامی به هر قیمتی عبور خواهد کرد" و "دانش - آموزان فریب خورده! باید از سر راه واحدهای ارتش کنار روند" و گرنه چنین و چنان خواهد کرد. که این تهدیدات یادآور تهدیداتی بود که ارتش و فرمانداری‌های نظامی در دوره شاه می‌کردند. تهدیدات زیادی از طرف فرماندهان ارتش و شخص بنی‌صدر صورت گرفته بود، از همان ابتدا مشخص بود که آمدن این ستون بزرگ با اینهمه تجهیزات نگرانی مردم را تشدید خواهد کرد. مردم دلاور سنج از همان ابتدا با قاطعیت به ورود این ستون اعتراض کردند. مردم به دروازه شهر رفتند و در مقابل حرکت ارتش و با برپا کردن موانع متعدد و نشستن در خیابان‌ها از ورود این

سندج ناشیری نداشته و مردم همچنان قاطعانه با نشستن روی جاده‌ها از عبور تانک‌ها و خودروهایی ارتشی جلوگیری می‌کنند و ستون مجبور می‌شود در فرودگاه شهر متوقف شود.

### ● ۲۹ فروردین

صبح ۲۹ فروردین ارتش مستقر در پادگان سقز از پادگان بیرون آمده و دروازه‌های شهر را در کنترل می‌گیرد. گویا بدینوسیله می‌خواهد جاده‌ها را به منظور ورود ستون ارتشی که در فرودگاه سنج مستقر است، به اصطلاح "پاکسازی" کند محاصره شهر سقز به وسیله ارتش با عکس‌العمل پیشمرگه‌ها روبرو شده و درگیری آغاز می‌شود. ارتشی‌ها شهر را با توپ و خمپاره مورد حمله قرار می‌دهند. امام جمعه سقز با فرمانده پادگان وارد صحبت شده و از وی می‌خواهند که شهر را به گلوله نیندازند ولی فرمانده پادگان اظهار می‌دارد که: "ما می‌خواهیم شهر را تسخیر کنیم و جاده‌ها را بگیریم". ارتشی‌ها بیمارستان را نیز می‌گیرند و از آنجا به طرف هرکس که ببینند شلیک می‌کنند. پیشمرگه‌ها و مردم همه‌جا سنگر گرفته‌اند. هلی‌کوپترها نیز وارد عمل شده و از هوا مردم را زیر باران می‌گرفتند و فانتوم‌ها هم بر فراز شهر به پرواز در آمده بودند. اما مردم سقز که در مرداد ماه گذشته و در جریان جنگ تحمیلی گذشته مقاومت دلیرانه‌ای از خود نشان داده بودند بی‌محبا در کوچه و خیابان به ساختن کوکتل مولوتف و سهرامی مشغول می‌شوند. آنها به همه سنگرها سر می‌کشند و کمک‌های لازم را به پیشمرگان می‌رسانند و زخمی‌ها را در بهداری نگهداری می‌کنند. در این بهداری وسایل لازم یافت نمی‌شود و زخمی‌ها را به بوکان می‌فرستند. جنازه‌های شهدا در مسجد نگهداری می‌شوند و یا در کنار خانه‌ها به خاک سپرده می‌شوند. دهها نفر از مردم بی‌دفاع بر اثر شلیک توپ و خمپاره کشته و زخمی می‌شوند. بیشتر شهدا را کودکان و زنان تشکیل می‌دهد. رفیق پروین افروزی دانش‌آموز پیشگام هنگام کمک رسانی به زخمی‌ها مورد اصابت گلوله بقیه در صفحه ۳

## شکست سرکوب دانشجویان . . .

بقیه از صفحه ۱

در باره ماهیت سیاست های جاری شورای انقلاب به سرعت ارتقاء می‌یابد! گذشته از همه اینها باید توجه داشت که دانشگاه علی‌العموم و فعالیت‌ها و مبارزات انقلابی دانشجویان بطور مشخص عناصر ایدئولوژیک و فرهنگی معینی را اشاعه می‌دهد که با نگرش‌های واپس‌گرایانه حزب جمهوری اسلامی در اصطکاک دائمی است. این جنبه قضیه مضمون حقیقی همان چیزی است که زیر عنوان "انقلاب فرهنگی" موضوع تبلیغ و ترویج حزب جمهوری اسلامی است. بر چنین زمینه‌هایی است که تلاش برای سرکوب جنبش انقلابی دانشجویی و تعطیل دانشگاه‌ها، هیچ چشم‌انداز موفقیت‌آمیزی را برای طراحان آن به ارمغان نمی‌آورد. این سیاست‌ها بنا به جوهر و مضمون خود باعث تفرقه مردم شده و به اتحاد عمل نیروهای ضدامپریالیست و ترقیخواه آسیب رسانیده و جهت گیری مبارزات ضد امپریالیستی مردم میهن ما را دچار انحراف می‌سازد. این سیاست‌ها مشخصا در خدمت تضعیف مبارزات ضدامپریالیستی مردم ما و تقویت مواضع امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکاست از اینرو مبارزه قاطع همه نیروهای ضدامپریالیست - ترقیخواه و انقلابی با این سیاست‌ها و افشای ماهیت آن، توضیح دقیق و روشن سیاست‌های سرکوب شورای انقلاب و شخص رئیس‌جمهور به توده‌های میلیونی مردم از اهم وظایف انقلابیون است. مقاومت قاطع و سرتاسری در برابر چنین سیاست‌های ارتجاعی به تضعیف هرچه بیشتر حزب جمهوری اسلامی و سیاست‌های نفاق افکنانه و ارتجاعی آن خواهد انجامید.

وظیفه جنبش انقلابی دانشجویی ایران، همچنانکه در "اطلاعیه دانشجویان پیشگام" به درستی خاطر نشان شده است، بسیج با برنامه نیرو و سازماندهی جنبش مقاومت جنبش انقلابی دانشجویی باید و بدون تردید قادر است تاکتیک‌های مناسب چنین بسیج و سازماندهی و سرانجام پیروزی کامل را با برداشته‌های واقع بینانه از وظایف و توان خود و مجموعه شرایط موجود و مبارزات طبقاتی در حال گسترش اتخاذ کرده و به کار گیرد. مبارزه قاطع با ابورتونیسیم چپ و راست و هدایت درست و اصولی مقاومت انقلابی دانشگاه می‌تواند پیروزی‌های بزرگتری برای جنبش ضدامپریالیستی - دمکراتیک زحمتکشان میهن ما به ارمغان آورد. "سازمان دانشجویان پیشگام" که به ویژه در چند روز اخیر شایستگی‌های فراوانی از خود بروز داده است، باید نقش تاریخی و پیشگام خود را در پیشبرد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های قهرمان ما بیش از پیش درک کرده و بر آن اتکا داشته باشد.

رویدادهای چند روز اخیر ضمن آنکه تضادهایی را در رابطه با شیوه‌های عمل رئیس‌جمهور و حزب جمهوری اسلامی به نمایش گذاشت حاکی از انفاق نظر آنها در سرکوب جنبش انقلابی دانشجویی ایران است. برای اینکه درک روشن‌تری از علل تهاجم به دانشگاهها به دست دهیم لازم است از وضعیت مبارزه طبقاتی در جامعه ارزیابی گذرایی ارائه دهیم. مبارزه طبقه کارگر ایران هر روز ابعاد طبقاتی گسترده‌تری می‌یابد. این مبارزات که در چشم‌انداز خود علیه تمامی طبقه سرمایه‌دار ایران جریان می‌یابد، محافل مدافع سرمایه‌داری را که در شورای انقلاب و حزب جمهوری اسلامی دارای اعتبار و نقش رهبری کننده هستند نمی‌تواند به مقابله جدی برنیانگیزد. جنبش انقلابی دانشجویی ایران که نوانسته است به ویژه بعد از قیام تاثیرات انقلابی چشمگیری بر جنبش طبقه کارگر ایران برجای گذارد برای این بخش از نیروهای اجتماعی که در قدرت سیاسی سهم هستند یک دشمن فعال به حساب می‌آید. گزارشات و اطلاعات موثقی در دست است که نشان می‌دهد در ماه‌های اخیر روی آوری توده‌های کارگر و زحمتکش به دانشگاهها افزایش چشمگیری یافته است. کارگران با حضور در دانشگاهها و آشنائی و تماس با فعالیت‌های سیاسی و انقلابی دانشجویان با برداشته‌ها و تاثیرات انقلابی معینی به محیط‌های کار و فعالیت خود باز می‌گردند و تاثیرات انقلابی را در کارخانه‌ها منعکس می‌کنند که در گسترش و تعمیق هرچه بیشتر مبارزات طبقه کارگر ایران موثر می‌افتد.

این حقیقت در مورد سایر اقشار زحمتکش نیز صادق است. علاوه بر این در سطح خلقها و به ویژه در کردستان هم اکنون سیاست سرکوب خلق کرد که با رهبری شورای انقلاب و شخص رئیس‌جمهور به پیش رانده می‌شود مناطق نازمانگاز کردستان را در جنگ فرو برده است. طبق اخباری که در دست داریم در جریان درگیری‌ها اخیر، گروه‌هایی از سربازان و درجه‌داران به نیروهای انقلابی پیوسته‌اند. هم‌اکنون در ارومیه گروه‌هایی از سربازان و درجه‌داران در تحصن به سر می‌برند. آنها اعلام کرده‌اند که آنان را به بهانه مقابله با مهاجمین عراقی به کردستان و مرزها اعزام داشته‌اند در حالی که اکنون عملا به آنان فرمان می‌دهند که مردم زحمتکش کردستان را کشتار کنند. مردمی که خود دشمنان آستی‌ناپذیر رژیم بعث عراق هستند. بدیهی است که فعالیت‌های گسترده سیاسی دانشجویان جایی برای فریبکاری‌های شورای انقلاب و رئیس‌جمهور در کردستان و گنبد و . . . نمی‌گذارد و باز روشن است که باز بودن دانشگاه‌ها هم با قبول فعالیت‌های سیاسی دانشجویان به معنی آن است که آگاهی توده‌های مردم

## سرکوبگران خلق کُرد دشمن همه خلقهای ایران هستند

بقیه از صفحه ۲

### یورش ...

ارتشی‌ها قرار می‌گیرد و شهید می‌شود. شب هنگام برق شهر سقز یکپارچه قطع می‌شود و پادگان، بی‌هدف، گلوله‌های توپ و خمپاره شلیک می‌کند. صدای بلندگوی ارتش از پادگان از مردم می‌خواهد شهر را ترک کنند تا آنها حساب "ضد انقلاب" را برسند. اما مردم واقعی نمی‌گذارند. از بلندگوی مسجد نیز که در دست پیشمرگان و مردم است دریا اخبار جهت آگاهی مردم پخش می‌شود و از همین بلندگو صدای سرودهای انقلابی نیز به گوش می‌رسد. جاش‌ها نیز از چند نقطه مردم را که در بهداری و مسجد جمع شده‌اند زیر آتش می‌گیرند. یک جاش کشته و چند جاش دیگر زخمی و دستگیر می‌شوند. مقاومت مردم و پیشمرگان چشمگیر است. تلفات ارتش بسیار زیاد است (حدود ۵۰ کشته و زخمی) عده‌ای از پرسنل انقلابی با سلاح‌هایشان به مردم می‌پیوندند. دو تانک ارتشی منهدم و یک هلی‌کوپتر به وسیله پیشمرگان سقوط می‌کند.

وسيله مورد لزومشان را می‌رسانند، خبرها را سرعت جمع‌آوری کرده و در محل‌های تجمع مردم نصب می‌کنند. آنها از صحنه‌های بیشمار جنایات ارتش، ارتش ضد خلقی عکس برمی‌دارند. نیروهای درون هیئت نمایندگی تصمیم می‌گیرند برای جلوگیری از ویران شدن شهر در صورت لزوم شهر را تخلیه کنند. تاکنون یعنی ۳۱ فروردین حدود ۱۵ نفر کشته و بیش از ۳۰ نفر مجروح شده‌اند که بیشتر آنها بر اثر اصابت تکه‌های راکت هلی‌کوپتر، خمپاره و توپ کشته یا زخمی شده‌اند. درگیری‌ها همچنان ادامه دارد و روحیه مردم سقز بسیار خوب است و بیشتر زخمی‌ها در تنها بیمارستان شهر بوکان بستری هستند. در بوکان که نزدیکترین شهر به سقز است، ستادی برای جمع‌آوری کمک مالی، دارویی و غذائی تشکیل شده است که مردم بوکان فعالانه در کمک رسانی به مردم سقز شرکت می‌کنند و کمک‌ها به قدری بوده است که هیئت نظارت در سقز چندین بار خبر داده‌اند که دیگر چیزی فرستند. در این رابطه دانش‌آموزان پیشگام بوکان نقش بسیار ارزنده‌ای ایفا

کردند. در عرض این سه روز هواپیماهای فانتوم که در ارتفاع کوتاه پرواز می‌کنند، مرتباً سعی دارند با ایجاد رعب و وحشت روحیه مردم را تضعیف کنند.

**۳۱ فروردین**  
روز ۳۱ فروردین محله فقیر نشین جمال آباد توسط ارتش به شدت کوبیده می‌شود عده‌ای از مردم شهر را ترک کرده‌اند، از بلندگوی پادگان مرتباً به مردم اخطار می‌کنند. پس از مدتی بازم هواپیماها به مانور پرداخته و هلی‌کوپترها به شدت حملات خود می‌افزایند. یکی از پیشمرگه‌ها اظهار می‌داشت خندق‌هایی را که "جهاد سازندگی" در اطراف شهر زده‌اند از روی نقشه قبلی بوده و ارتش در این خندق‌ها موضع گرفته است.

روز ۳۱ فروردین ستونی که در فرودگاه سنندج مستقر بود قصد دارد به سقز برود و چون مردم جلوی پیشروی ستون را گرفته و در جاده بست نشسته‌اند، ستون از طریق جاده دیگری قصد حرکت به طرف سقز را دارد. آنجا نیز توسط پیشمرگه‌ها متوقف شده و درگیری آغاز می‌شود. پنج نفر از ارتشی‌ها کشته و ۱۲ نفر دیگر اسیر

ی‌شوند. سه ریبو ارتشی به وسیله پیشمرگان منهدم شده است. یک سرگرد ارتش در میان دستگیر شدگان است ۱۲ ریبو ارتش و تریلر حامل خواروبار و بنزین و مهمات توسط پیشمرگان به غنیمت گرفته می‌شود که در میان مردم توزیع می‌شود. سه پیشمرگه در جریان درگیری با ستون به شهادت می‌رسند. هلی‌کوپترهای ارتش مواضع پیشمرگان را به شدت می‌کوبند. با این حال جلوی پیشروی ستون ارتشی گرفته می‌شود. فانتوم‌ها برای ایجاد وحشت در شهر سنندج مانور می‌دهند. تانک‌های مستقر در پادگان سنندج بطرف شهر نشانه‌روی می‌کنند فرمانده پادگان از فلاحی درخواست نیروی کمکی برای تسخیر شهر کرده است. فلاحی قول داده است که حداقل دو هواپیمای (سی-۱۳۰) به زودی در فرودگاه پیاده کنند. طبق آخرین خبرها ستون ارتشی بر اثر مقاومت شجاعانه پیشمرگان جنبش مقاومت مجبور به توقف شده است. عده‌ای از پرسنل انقلابی در سنندج به مردم پیوستند، در بریوار نیز عده‌ای از پرسنل انقلابی با سلاح‌هایشان به مردم پیوسته‌اند و فرمانده

پادگان اخطار کرده است که اگر مردم اینها را به ارتش تحویل ندهند (ظرف ۵ ساعت) به شهر حمله خواهند کرد.

**اول اردیبهشت**  
درگیری بطور پراکنده (۱ اردیبهشت ۵۹) در سقز ادامه دارد. در سنندج نیز امروز اول اردیبهشت عده‌ای از جاش‌ها به طرف مردم تیراندازی می‌کنند. بعضی از این جاش‌ها توسط پیشمرگان دستگیر شده‌اند. در اشنویه ارتش روستاها را به توپ بست که طی آن چند خانه منهدم شده و یک روستائی کشته می‌شود در (روستای آله) ۱۲ نفر از روستائیان همین روستا نیز به وسیله ارتشی‌ها به گروگان گرفته می‌شوند. در دره قاسملو نزدیک به ۲۰ نفر ارتشی کشته و بیش از ۴۰ نفر زخمی شده‌اند. تعدادی سلاح و مهمات به دست پیشمرگان افتاده است. بر اثر حمله ارتش به روستاها صدها نفر از روستائیان آواره شده‌اند و به روستاهای دیگر پناه برده‌اند. در اشنویه مدارس تعطیل است و جریان برق و تلفن این شهر یک‌هفته است که بوسیله ارتش قطع شده است.

### ۳۰ فروردین

صبح روز ۳۰ فروردین درگیری با شدت بیشتری ادامه پیدا می‌کند. دهها خانه ویران می‌شود و تعداد بیشتری از خانه‌ها و مغازه‌های مردم آسیب می‌بینند. در این روز ۴ نفر دیگر از مردم بر اثر شلیک خمپاره و توپ شهید می‌شوند. هلی‌کوپترها همچنان با شدت از هوا مردم را به رگبار می‌بندند. ارتش تلفات دیگری را متحمل می‌شود. سه ارتشی و از جمله یک سروان کشته می‌شوند. روحیه ارتشی‌ها تضعیف می‌شود. سربازان قصد داشتند تسلیم شوند. آنها به پشت تپه‌ها عقب‌نشینی می‌کنند. عده‌ای دیگر با سلاح‌هایشان به مردم می‌پیوندند. اما بقیه در وضع مصیبت‌باری گیر کرده بودند. وضعی که چاره‌ای جز تسلیم شدن یا کشته شدن برای آنها باقی نگذاشته بود. دانش‌آموزان پیشگام و بقیه دانش‌آموزان با تلاش بی‌ظنری به زخمی‌ها کمک می‌کردند، به پیشمرگان

### اسامی زخمی‌ها و شهدای جنگ سقز

که تا این لحظه شناخته شده و به دستمان رسیده است

- زخمی‌ها:
- ۱- علی فیضی ۱۶ ساله دانش‌آموز - تیرخوردگی از ناحیه پا.
  - ۲- احمد ولی ۱۳ ساله دانش‌آموز بوسیله خمپاره در جلوی منزلشان زخمی شده است.
  - ۳- اسماعیل ابراهیمی ۶۰ ساله - کارگر - بوسیله خمپاره در جلوی منزلشان زخمی شده است.
  - ۴- حسین ولی ۸ ساله به وسیله خمپاره در جلوی منزلشان زخمی شده است.
  - ۵- عبدالله قاضی ۳۶ ساله توسط انفجار خمپاره زخمی شده است.
  - ۶- محمد صالحی ۱۳ ساله دانش‌آموز - بوسیله جاش‌ها تیرخورده است.
  - ۷- مهران سلطانی ۷ ساله - دانش‌آموز.
  - ۸- پروانه ولی ۱۷ ساله
  - ۹- خدیجه ولی ۸ ساله
  - ۱۰- غفور ولی ۴۰ ساله
  - ۱۱- شاهکل ۷ ساله - به وسیله خمپاره زخمی شده است.
  - ۱۲- نجیبه ذکاوت ۳۴ ساله به وسیله گلوله کالیبر ۵۰ زخمی شده است
  - ۱۳- هادی محمودی ۱۲ ساله بر اثر انفجار خمپاره.
  - ۱۴- کریم عبدالله ۴۲ ساله
  - ۱۵- عمر اسماعیلی ۱۶ ساله
  - ۱۶- فرحناز کریمی ۱۰ ساله - دانش‌آموز - بر اثر انفجار خمپاره.
  - ۱۷- محمد حسن زاده ۲۵ ساله - کارگر روستائی بوسیله گلوله کالیبر ۵۰ از هلی‌کوپتر.

- ۱۸- محمد محمدیان ۶۰ ساله - کارگر روستائی بوسیله گلوله کالیبر ۵۰ از هلی‌کوپتر.
  - ۱۹- علی حسین زاده ۳۲ ساله کارگر روستائی بوسیله گلوله کالیبر ۵۰ از هلی‌کوپتر.
  - ۲۰- خضر خلیلی ۱۲ ساله بر اثر انفجار راکت هلی‌کوپتر.
  - ۲۱- قره‌نی ایلخانی زاده ۲۵ ساله - بر اثر اصابت گلوله ز-۳
  - ۲۲- حسن کسترانی ۶۵ ساله
  - ۲۳- فوزیه اردلان بر اثر انفجار خمپاره
  - ۲۴- سیدطاها هادی زاده
  - ۲۵- ثریا نادری
- اسامی بقیه زخمی‌ها در دست نیست.

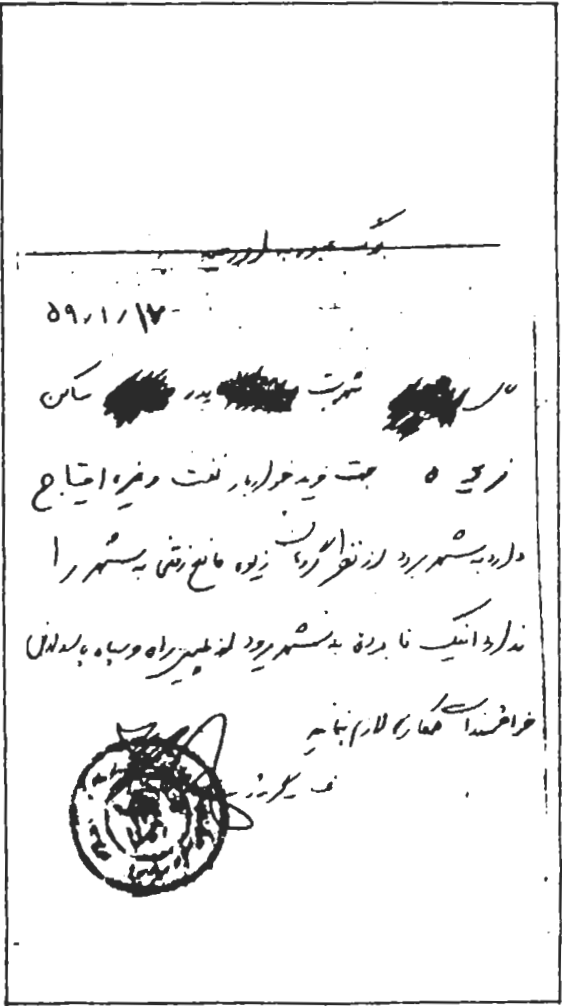
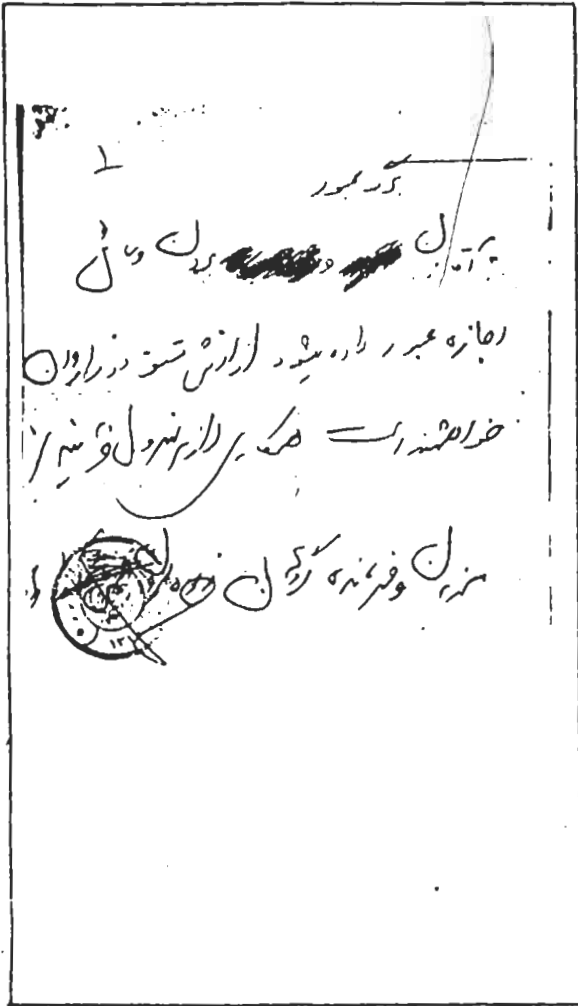
### اسامی شهدا:

- ۱- علی شکری
  - ۲- علی جلالی
  - ۳- ناجی احمد زاده
  - ۴- پروین افروزه (رفیق پروین افروزه که از رفقای پیشگام بود هنگامی که با برادر کوچکترش برای کمک به زخمی‌ها به بیمارستان می‌رفت توسط یک مزدور ارتشی دستگیر می‌شود. مزدور ارتشی لوله تفنگ خود را بر گونه رفیق می‌گذارد. برادر کوچکترش خواهش می‌کند که او را به جای خواهرش بکشد. اما مزدور جنایتکار ماشه را می‌چکاند و در حالی که رفیق به شهادت می‌رسد به برادر کوچکترش می‌گوید: بگذار تو هم قدری بزرگتر شوی، تو را هم می‌کشم)
  - ۵- حسن سلیمی
  - ۶- لیلیا ولی ۵ ساله
- و حدود ۸-۹ نفر دیگر از مردم عادی که اسامی آنها در دست نیست به طبق آخرین خبر یکی دیگر از دانش‌آموزان پیشگام به نام رفیق فرانک به هنگام کمک رساندن به زخمی‌ها شهید شده است.

## پیروزی مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک خلقی ایران

# فرماندهان ارتش تجارب ارتش آمریکا در ویتنام را در کردستان بکار می گیرند

درگیریهای اخیر غرب ارومه سان می دهد که چگونه فرماندهان دست برورده آمریکا در ارتش جمهوری اسلامی ( مثل فلاحی که در ویتنام دوره دیده است) سیاستهای نهامی و سرکوبگرانه ارتش آمریکا در ویتنام را بکار می گیرند. فرماندهان ارتش که سالها شیوه سرکوب خلقها را از فرماندهان آمریکائی خود و آخرین دستورالعملهای کسی آنها آموزش دیده اند برای سرکوب خلق کرد دست به مبارزات روستاها می زنند آنها با اسلحه مذبوحانه و جنسکارانه میخوانند روستاها را از رحمکشانی که مبارزان خلق کرد و بشمرکه را در حمایت و بناه خود می گیرند ، خالی سازند و به همین منظور روستاها را بمباران می کنند. بمباران مدام منطقه مرگور ترکور مخصوصا دره فاسلو جزئی از این سیاست است. روستائیان منطقه مجبور به ترک روستای خود شده اند و روستائینی که هنوز در آن مناطق هستند بدون داشتن برگ عبور پاسگاه حق جارج شدن از روستا را ندارند. امپریالیسم آمریکا عین همین سیاستها را در ویتنام پیاده می کرد. آنها دهکدهها را بمباران می کردند و یا در حملات وحشیانه به آتش می کشیدند افراد " مشکوک" را دستگیر می کردند و به قتل می رساندند و سایر اهالی را در مناطق مخصوصی که " دهکدههای استراتژیک" خوانده می شد مستقر می کردند و تحت حفاظت شدید میگرفتند تا مانع تماس و حمایت آنها از انقلابیون گردند. امپریالیستها همین سیاست را در زیمبابوه و بسیاری مناطق دیگر به کار گرفته اند. و اکنون فرماندهان دست برورده آمریکا در ارتش جمهوری اسلامی این سیاست را در کردستان عملی می کنند.



## پرسنل انقلابی نیروهای مسلح : با امپریالیسم جنایتکار آمریکا ورژیم فاشیستی عراق پیکاری پر توان خواهیم کرد! ولی فرصت سودجوئی به نیمیسانان شاهنشاهی و سرکوبگران ارتش نخواهیم داد!

مسئله امنیت داخلی در حقیقت به بسیج نیروهای مسلح برای سرکوبی جنبش می پردازد و تصاد امپریالیسم و سازشکاران را با تودهها بدین طریق سرپوش می گذارد. ما در این مقطع حساس از مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک تودهها فاطعانه اعلام می داریم که بیرون و مصمم دوشادوش خلقها به پیکاری جانانه با امپریالیسم آمریکا و رژیم فاشیستی عراق خواهیم پرداخت ولی در عین حال به خوش خیالان و دوستان امپریالیسم و فرماندهان آمریکائی ارتش اخطار می کنیم که هرگونه سودجوئی خائشانانه از احساسات مبارزه جویانه تودهها و پرسنل نیروهای مسلح را افشاء و درهم خواهیم شکست. پرسنل انقلابی نیروهای ۲۱ فروردین ۵۹

است. همکاران رزمنده! رئیس جمهور در پیام خود به مناسبت قطع رابطه آمریکا با ایران به جای پرداختن به لزوم اتحاد همه نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست و به جای بسیج همه توان تودهها علیه آمریکا و رژیم فاشیستی عراق تلاش کرد تا مبارزات حق طلبانه خلقهایمان را به تخبطه کشد و ارگانهای سرکوب را برای یورش به این مبارزات آماده نماید. آقای رئیس جمهور تهدیدات آمریکا و تجاوزات عراق را نتیجه مبارزات سربازان و درجه داران نیروهای مسلح برای افشای تیمساران شاهنشاهی ارتش دانست و سعی نمود با پشیمان جلوه دادن پرسنل از این مبارزه روحیه انقلابی آنها را تضعیف نماید. آقای رئیس جمهور با طرح

نوخالی امپریالیسم آمریکا بوجی و رسوائی همه ادعاها از جمله ندامت نامه کذائی اش که بعضیها چون آقای رئیس جمهور آنرا یک بیروزی بزرگ دانستند و دلالتی چون فطبراده آن را شکست قطعی امپریالیسم نامیدند! بر ملا شده است. اکنون که دیگر دوستان آمریکا در شورای انقلاب و سایر جناحهای حاکم موفق نشدند به سادگی و به میل اربابشان به مسئله گروگانها و مبارزات ضد امپریالیستی تودهها پایان دهند، آمریکائی جنایتکار دست به اجرای توطئههای جدیدی زده است. سفر شاه به مصر ملاقات نمایندگان کاخ سفید چون برزبنسکی و مهربهائی چون بختار با دولت عراق و تشدید تهاجمات تبلیغاتی و نظامی رژیم فاشیستی بعث به ایران از جمله این توطئهها

سرماهداری و استعمار از محمضه مبارزات رحمتکشان نقش بر آب می بیند و وظایف و مسئولیتهای حساسی به ویژه بردوش پرسنل نیروهای مسلح سپخته است. سربازان، درجه داران، همافران و افسران انقلابی نیروهای مسلح! هوشیار باشید و ضمن بیکار قاطع و بپرتوان با آمریکائی جنایتکار و رژیم سرسپرده عراق ننگاریم نیمیسانان شاهنشاهی، سازشکاران و نیرنگبازان درون شورای انقلاب و دلالت سیاستهای امپریالیستی از این حساس بودن وظایمان سود جویند و با سرپوش تامین امنیت به بسیج ارتش ضد خلقی برای سرکوبی جنبش هموطنانمان پردازند! یاران آگاه و مبارز! اکنون دیگر با تهدیدات

همکاران مبارز! خلقهای مهربان ایران! اینک که مبارزات صد امپریالیستی - دمکراتیک تودههای رحمتکش ما اوج دیگری یافته است، اینک که آمریکائی جنایتکار و دوستان داخلی یعنی سازشکاران در متوقف کردن سل خروشان جنبش خلقها شکست خورده و کلافه شده اند، اینک که سرسپردگان امپریالیسم در منطقه نظیر رژیم فاشیستی عراق برای نجات خود و اربابشان از لیب سوران آگاهی و مبارزه بیدهها، ایران عزیز و جنبش قهرمانانه اش را مورد تهدید نظامی قرار می دهد و گسناخانه در مرزها به یورش می پردازد، و اینک که نیرنگ بازان و فریبکاران وطنی داخل هنت حاکمه طرحهای سازشکارانه و ضد خلقی شان را برای رهائی

# امریکا تو خالی است ویتنام گواهی است

قدم می خواهند بدانند

# پشتیبانی وزارت کشور از سرمایه داران و گرفتن «توبه نامه های» آریامهری از کارگران و کارکنان مبارز

امپریالیسم کیست؟

چگونه می توان با گرانی و بیکاری و فقر مبارزه کرد؟  
صدا و سیمای جمهوری اسلامی

بحث بر مسائل ایدئولوژیک را دامن می زند!

صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران از سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و برخی از دیگر نیروهای سیاسی دعوت کرده است تا در بحث آزاد بر سر یک سلسله مباحث ایدئولوژیک شرکت کند. چنین دعوتی را صدا و سیمای جمهوری اسلامی قبلا هم از ما و دیگر نیروهای سیاسی به عمل آورده بود و این در واقع تکرار همان دعوت پیشین بود.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، پس از بررسی این دعوت نظر خود را به شرح زیر اعلام می دارد:

امروز مسائل مبرم مردم ما عبارتند از چگونگی از میان بردن گرانی، بیکاری، فقر، بیماری و بدمیوان مسکن. امروز مسائل مبرم مردم ما عبارتند از: اهمیت اقتصادی، اهمیت شوراها در این مبارزات، اهمیت ارتش خلق، مسئله خودمختاری خلقها، امروز مسئله مردم ما این است که چگونه می توان برای پیروزی بر امپریالیسم و سرمایه داری وابسته به آن وحدت و اتحاد عمل لازم را به وجود آورد. اینها مسائل روز مردمند. مسائلی هستند که زحمتکشان در کارخانه و مزرعه، در کوچه و بازار، در مدرسه و دانشگاه و حتی در تاکسی و اتوبوس و معازه از آن حرب می زنند و با ادامه این مباحث شورانگیز آگاهی خود را که لازم رند و پیشبرد مبارزات ضد امپریالیستی میهن ما است، افزایش می دهند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران وظیفه خود می داند که با شرکت فعال در این مباحث که ضرورت مبرم مبارزات ضد امپریالیستی توده های مردم است، تا آنجا که در توان دارد آگاهی زحمتکشان را افزایش داده و زمینه های وحدت میان همه زحمتکشان و همه مردمی که علیه امپریالیسم مبارزه می کنند، با هر عقیده و مسلک و مذهبی که هستند فراهم کند.

مباحث ایدئولوژیک، مسئله توده های محروم میهن

مطلب توده های محروم میهن

خواسته شده است: "چنانچه کلیه کارکنان توبه نامه بنویسند و خواست های خود را در روزنامه تکذیب نکنند، احکام صادره بازنشستگی کارکنان لغو و زندانیان آزاد می شوند."

چنین اعمالی تنها در وزارت کشور صورت نمی گیرد. در تمام وزارتخانه ها، ادارات و کارخانجات و ارتش و دانشگاه ها، شوراها و مردمی و افراد انقلابی مورد هجوم واقع شده اند.

طبق نقشه شورای انقلاب باید کلیه این نهادهای قیام برجیده شوند تا آنان براهتی بتوانند نقشه سرکوبگرانه خود را در مورد خلق کرد و دیگر خلقها عملی سازند تا بتوانند طبق قطعنامه تنظیم شده ملاحظاتی و حقوق خلق کرد را زیر "حکومت ناپالم و گازهای سمی وادار به اطاعت" از دولت بنی صدر نمایند. اگر نهادهای انقلابی وجود داشته باشد، این جنایات در پیشگاه خلق افشاء می گردد و توده ها درمی یابند که فرماندهان مزدور ارتش چه جنایاتی را در کردستان مرتکب می شوند. اکنون شورای انقلاب وارث زندان های شاه شده است. سرمایه داران و ساواکی ها و جنایتکاران رژیم سابق از زندان آزاد می شوند تا پایه های حکومت بنی صدر را تحکیم بخشند و دسته - دسته کارگران شرکت فاسترویلرپالایشگاه آبادان - زحمتکشان درود و اندیمشک و بندرعباس و خلق های تحت ستم کرد، ترکمن، عرب و بلوچ روانه زندانها شوند. معنی نظم و امنیت بنی صدر و شورای انقلاب را اکنون بیسی از هرزمانی در کردستان، دانشگاه ها، کارخانه ها و دیگر نقاط ایران می توانیم مشاهده کنیم.

خود، لغو انتخابات دو مرحله ای و برکناری استانداران و بخشداران منتصب هاشمی رفسنجانی را خواستار شدند. مهدوی کنی با حربه کند شده "ضد انقلاب" به جنگ اجتماع کنندگان رفت و اعلام کرد - هیچ روزنامه نگار و یا خبرنگار رادیو و تلویزیون حق ورود و مصاحبه با اجتماع کنندگان در وزارتخانه را ندارد. پس از انتخابات مجلس، کارکنان بیانیه ای مبنی بر اعتراض به انتخابات تهیه و نمایندگان سیصد نفر از آنان نامه را امضاء و به مطبوعات ارسال می دارند. نامه به وسیله مهدوی کنی تکذیب می شود و به دنبال آن هفده نفر از کارکنان بازنشسته شده و سه نفر از نمایندگان شورای منتخب وزارت کشور دستگیر می گردند. آنان در زندان دست به اعتصاب غذا می زنند.

وقتی که بنی صدر در تاریخ ۱۷ فروردین برای شرکت در کنفرانس استانداران به وزارت کشور می آید کارکنان مبارز در جلوی در ورودی اجتماع کرده و خواستار آزادی زندانیان می شوند.

بنی صدر با جمله "از همه جریان وزارت کشور مطلع هستم" رسیدگی را به بعد موکول می کند و همانطور که جانبان و قاتلین فدائیان خلق ترکمن و تمام باندهای سیاه و جاشها را در کشف حمایت خود قرار داده، این بار نیز متغلبین و جنگ - افروزان را زیر چتر نظم و امنیت خود قرار داد و آنها را تشویق به زورگویی و تقلب بیشتری نمود. رئیس جمهور برای اینکه باردیگر با اجتماع کنندگان رودررو نگردد، موقع خروج از در اضطراری وزارت کشور خارج می شود.

مهدوی کنی در جواب قطعنامه کارکنان مبارز، پیامی ارسال نمود که در آن از آنها

وزارت کشور طی یکسال گذشته نقش برجسته ای در پیشبرد سیاست های طبقه سرمایه دار و زمینداران بزرگ داشته است. وزیر این وزارتخانه که تمام استانداران و فرمانداران و بخشداران را منصوب می کند عملاً سیاست هایی را که منافع سرمایه داران و زمینداران بزرگ ایجاب می کند، پیش می برد. اغلب استانداران انتصابی این وزارتخانه، هرکدام در استان تحت کنترل خود، دولتی تشکیل داده و همواره نقش جنگ افروزانه ای در مناطق مختلف کشور داشته اند.

کارکنان مبارز این وزارتخانه که نسبت به منافع توده های زحمتکش احساس تعهد می کنند، نمی توانستند نسبت به عملکرد مدافعیین منافع سرمایه داران که تسلط کامل بر اکثر قریب به اتفاق پست های این وزارتخانه دارند، بی بغاوت باشند و از خود واکنشی نشان ندهند.

به ویژه در روزهایی پیش از انتخابات و قبل از آن کارکنان مبارز شاهد تقلبات و سوء استفاده های وسیعی در امر انتخابات مجلس شورای ملی بودند.

به همین دلیل در تاریخ ۱۹ اسفند ماه ۵۸ کارکنان مبارز وزارت کشور در پی خواسته های مکرر خود نسبت به لغو انتخابات دو مرحله ای مجلس شورای ملی و برکناری معاونان انتصابی هاشمی رفسنجانی ( رضا زواره ای - شاپور) که خود کاندیدای مجلس شورای ملی بودند و همچنین جلوگیری از اخراج کارکنان مبارز و متعهد در نمازخانه گرد آمدند. تهاجم پاسداران و پلیس به دستور رضا زواره ای - معاون مالی و اداری وزارت کشور - متحصنین را پراکنده نمود.

کارکنان مبارز این وزارتخانه مجدداً در تاریخ ۱۲ اسفند اجتماع نموده و در قطعنامه

## و فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم امریکا

## نامه یک کارگر جوشکار به بنی صدر

## رابطه "برادران مسلمان" بنی صدر و جاش های کردستان

این عقاید من است راجع  
آقای بنی صدر. لطفاً آن را  
بر "کار" منتشر کنید.  
آقای بنی صدر می گوید  
ار یکنید، کار یکنید، ولی  
می گوید کدام طبقه بخورد.  
البته اینرا به ما نمی گوید  
ولی خودش می داند که کدام  
طبقه باید بخورد. کار کردن  
البته خوب است، همه باید  
کار کنند (اگر گیر بیایند)  
ولی حاصلش را کدام طبقه  
می خورد؟ یک کلمه هم در  
این مورد جواب نمی دهد.  
وقتی این آقا از خارج آمده  
بود شروع کرد به تبلیغات  
اقتصادی برای خودش. از  
جامعه بی طبقه توحیدی، از  
بهره کشی سرمایه داران،  
استعمار و استثمار صحبت  
زیاد می کرد. حالا که دیگر  
وضعش خوب شده به  
مقصودش رسیده، به خیال  
خوبی به جای دیگر  
دیگر معنی ندارد. دیگر موقع  
آن حرفها نیست. موقع کار  
است. کسی که کار نکند ضد  
انقلاب است. کسی هم که  
دلتیان کار باشد اگر بخاطر  
بیکاری اعتراض بکند باز هم  
ضدانقلاب است. آنهایی که  
در خانه های چند میلیون  
تومانی زندگی می کنند و  
ماشین های آخرین سیستم  
زیرپایشان است و  
مسافرت های خارجی شان هم  
برقرار است، بهتر از همه  
می خورند و می پوشند و  
مانورهای غربی در خیابانها

می دهند، به اینها کسی  
نیاید بگوید: ضدانقلاب!  
چون آقای بنی صدر هوایشان  
را دارد. آقای بنی صدر  
می خواهد با ضدانقلاب  
مبارزه کند، با آن بالائیها  
که کاری ندارد. پس کجا  
دنبال ضد انقلاب می گردد؟  
در کارخانه ها، و مزرعه ها که  
زحمتکشان زیر فشار زیاد  
کار در گرما و سرما زحمت  
می کنند و عرق می ریزند.  
این آقا در اینجاها دنبال  
ضدانقلاب می گردد که بیشتر  
و بیشتر کار بکنند و دم  
نزنند و گرنه ضد انقلاب  
حساب می شوند. عمر متوسط  
یک کارگر ۴۰ سال است و عمر  
متوسط یک زالوصفت ۱۲۰ سال  
آقای بنی صدر از قاطعیت  
حرف می زند. خودش را زده  
به کوچه علی چپ! قاطعیتش  
یعنی چه؟ یعنی ارتش ضد  
حرفی را باز ساری است و ب  
قاطعیت تمام به جاشان  
زحمتکشان بیندازد و بهترین  
فرزندان خلق و کارگر را  
قربانی ارتش بکند.  
سرمایه دارها هم که از خدا  
می خواهند وضعیتشان رو برآه  
شود مثل سابق و برای همین  
هم از قاطعیت بنی صدر  
خیلی ممنون و خوشحال  
می باشند.

مرگ بر همه سرمایه داران  
داخلی و خارجی و همه  
بهره کشان دنیا  
کارگر جوشکار - ب

دانشگاه و جنبش انقلابی دانشجویی  
با توده های میلیونی مردم پیوندهای  
عمیق و تاریخی دارد. پیوندهایی که  
ریشه در دفاع پیگیرانه و خونین دانشگاه  
و جنبش انقلابی دانشجویی از آرمان  
زحمتکشان ایران دارد.

"سازمان دانشجویان پیشگام"

بنی صدر می گوید:  
برادران مسلمان ما را در  
کردستان جاش می گویند.  
حال بینیم سوابق اعضای  
شورای رهبری پیشمرگان  
مسلمان کرد (جاش) و آیا  
برادران مسلمان بنی صدر در  
منطقه ثلاث باباخانی چیست؟

۱- شیخ عارف حسینی:  
شخص مدگور رئیس حزب  
رستاخیز "ازگله" مرکز بخش  
ثلاث باباخانی واقع در  
شهرستان پاوه و نماینده  
انجمن فرمایشی شهرستان  
پاوه بود. وی تا آخرین  
لحظات سقوط شاه مشغول  
توطئه و سخنرانی بر علیه  
مردم بود. در بهمن ماه  
۱۳۵۷ قرار بود با مصطفی خان  
مسعودی از زاندارمری اسلحه  
نماید که با سقوط رژیم نقشه  
این خائنین نقش بر آب شد.  
در ضمن مبلغ ریادی پول که  
در آن زمان برای احداث  
جاده به وسیله انجمن  
شهرستان در اختیار او قرار  
داده شده بود به جیب زد.

۲- مصطفی خان مسعودی:  
از فتودال های بزرگ و  
سران عشیره باباخانی و از  
ساواکی های معروف که چندین  
مدال افتخار از رژیم سابق  
دریافت داشته و افسر  
افتخاری بود. وی نیز تا  
آخرین لحظات به رژیم شاه  
وفادار بود. در ضمن از  
پاران سالار جاف معدوم بشمار  
می رود.

۳- حاج یوسف یوسفی:  
ساکن "شیخ صیله" از  
ساواکی های جنایتکار بوده  
است. وی نیز دارای مقام  
افسر افتخاری از رژیم  
شاهنشاهی بود و تا آخرین  
لحظات مشغول توطئه و بسیج  
چماق بدستان برای هجوم به  
شهر سرپل ذهاب بود. این  
شخص بسیاری از جوانان  
انقلابی را که در زمان رژیم  
شاه برای پیوستن به جنبش  
فلسطین قصد خروج از  
مرزهای ایران را داشتند،

دستگیر و به ساواک تحویل  
داده است. در شماره ۳  
نش به "فریاد آزادی" (ارگان  
جاش های به اصطلاح مسلمان  
کرد) از این شخص بعنوان  
یک فرد مسلمان و انقلابی  
نامبرده شده است.

۴- شیخ زاهد نقشبندی:  
برادر شیخ عثمان نقشبندی  
و از وابستگان به دربار شاه  
خائن و رئیس شورای  
پیشمرگان مسلمان کرد، ثلاث  
باباخانی و از ساواکی های  
معروف که خود و خانواده اش  
سالها به تحمق توده های  
زحمتکش کرد مشغول بودند.  
(این شخص هم اکنون در  
تماس با چمران مشغول  
جاشگری در منطقه است).

۵- علی بیگ پسر حموی  
مصطفی خان مسعودی و از  
سران عشیره باباخانی است.  
این شخص بعد از اصلاحات  
ارضی شاه دو تن از  
رعیت های خود را کشت و به  
عراق گریخت. سال گذشته به  
ایران بازگشت و حالا اسلام-  
پناه شده است.

۶- شیخ بها الدین حسینی  
این شخص داماد شیخ  
هادی جلاد مردم قروه  
می باشد. از شروع قیام این  
شخص با شیخ هادی بود و به  
سرکوب مردم قروه مشغول  
بود و حتی ثلاث باباخانی  
و انقلابیون را تهدید به  
سرکوب و قتل عام می کرد.  
بعد از سقوط شاه به اتفاق  
شیخ هادی از قروه گریختند  
و به ازگله آمد. بعد از قیام  
در جریان جنبش مقاومت  
خلق کرد وی و شیخ عازف  
از رئیس های جوانمرد های  
زاندارمری ازگله بودند و بعد  
از آتش بس به سرپل ذهاب  
گریختند.

افراد فوق، اعضای مشورتی  
مشول تماس با سپاه  
پاسداران کرمانشاه بودند که  
طرح مشترک حمله همزمان را  
به گامیاران و ازگله و جوانرود  
و دیگر نقاط کردستان تدارک  
دیده بودند.

حال مشخص است که  
بنی صدر در سخنرانی هایش  
از چه کسانی دفاع می کند.  
ایشان مردم دلاور کرد را  
مورد حمله قرار می دهند که  
چرا به برادران مسلمان کرد  
آقای بنی صدر جاش  
می گویند. روشن است که  
هیئت حاکمه که در میان  
خلق کرد پایگاهی ندارد  
درصد آن است که با  
تطهیر اعمال ننگین جاشها  
این مزدوران را وسیله پیاده  
کردن نقشه های سرکوبگرانه  
خود نماید و با گذاردن نام  
پیشمرگان مسلمان کرد بر  
آنها می خواهند ماهیت  
ضد خلقی این مزدوران  
وابسته به رژیم سابق و  
فتودال ها را استتار نماید.  
بنی صدر همانطور که بر سر  
فرماندهان مردور و  
ساواکی های جنایتکار آب  
توبه ریخته و آنها را عناصر  
مفقول و اصولی وانمود  
می کند، تلاش دارد تا از  
افراد فوق الذکر سب  
پیشمرگان مسلمان و متدین  
سازد و آنها را انقلابی جا  
بزند.

پایه های ریاست جمهوری  
بنی صدر با هرنوع افشاگری  
از جنایتکاران رژیم سابق  
متزلزل می شود و به همین  
دلیل ایشان سرسختانه در  
مقابل هرنوع افشای  
مزدوران و جنایتکاران با  
قاطعیت عمل می کند.  
بنی صدر می خواهد پایه های  
کاخ ریاست جمهوری خود را  
بر همین فرماندهان مردور و  
جنایتکاران ساواک و جاشها و  
باندهای سیاه و ... استوار  
نماید.

پیشمرگان مسلمان کرد که  
آقای بنی صدر در میتینگها  
از آنها دفاع می کند و از  
مردم می خواهد که برایشان  
تکبیر بفرستند، همین  
سرسپردگان به رژیم سابق  
هستند. خلق قهرمان کرد به  
اینان در هر لباسی که باشند  
جاش خواهد گفت.

# بسیج مسلح توده ها ضامن پیروزی خلقهای ماست



# مسئله نان و سیاست‌های دولت

نان غذای اصلی زحمتکشان است. بخصوص در شرایط بحرانی و در مواقعی که گرانی مواد غذایی و ارزاق عمومی بالا می‌گیرد، نان بیشتر و بیشتر جای سایر خوراکی‌ها را اشغال می‌کند و هرچه بیشتر تقاضای زحمتکشان در مصرف آن افزایش می‌یابد. به همین

آوردند که سرانجام سردار سپه به کمک نیروهای نظامی تظاهرات را سرکوب کرد و عده‌ای را دستگیر نمود. این فحطی‌ها و اعتراضات در دوره رضاخان مکرر پیش آمد و با سرکوب و کشتار روبرو شد پس از شهریور ۱۳۲۰ به سبب عواقب جنگ که عبارت از اشغال کشور، وجود ناامنی،

دولت با طرح خود نشان داد که نه تنها در جهت حل آن گامی برنداشته بلکه می‌خواهد وانمود سازد که کارگران نانوائی و نانواهای خرده‌پا که به تولید مستقیم در این رشته مشغولند، باعث گرانی نان هستند تا مردم را در مقابل آنان که بخشی از زحمتکشان جامعه را تشکیل می‌دهند، قرار دهند.

جهت در شرایط کنونی و در یک‌ساله اخیر به سبب گرانی و نلیایی ارزاق عمومی و سایر مواد غذایی، مصرف نان زحمتکشان افزایش یافته صاحبان پول و مال با پرداخت پول بیشتر همان غذاهای رنگین خود را مصرف می‌کنند و کمبود نان برای آنان مسئله‌ای نبوده و نیست. کمبود نان همیشه با

۲۰ هزار کارگر نانوائی که در تهران به کار تهیه نان مشغولند، کارگرانی که به یکی از طاقت‌فرساترین کارها مشغولند جزو محروم‌ترین زحمتکشان جامعه ما هستند و از حداقل نیازهای زندگی برخوردار نیستند.

فحطی مترادف بوده است به دنبال خود شورش و طمان توده‌ها را علیه ستمگران همراه داشته است. ما شاهد بلواها و شورش‌های مکرری در زمینه نان و کمبود آن در تاریخ استعماری میهنمان بوده‌ایم. نمونه‌ای از این اعتراضات زحمتکشان، اعتراض ساکنان و بخصوص زنان جنوب شهر تهران در سال ۱۳۰۴ و دوره نخست - وزیر سردار سپه (رضاخان) بوده است. در مهرماه همین سال زحمتکشان همراه با زنان چادر به کمر بسته به مجلس (مجلس چهارم) حملات

رکود واردات و صادرات، احتیاجات متفقین، سوء استفاده محترمان بود، باردیگر کمبود مزمن ارزاق به قحطی کشنده، دولت موقت که مدافع منافع سرمایه‌داران و فئودال‌ها و امپریالیسم انگلیس بود با اقدامات بی‌رویه خود این کمبود مایحتاج عمومی را دامن زد. بطوریکه وزیر دارائی دولت فروغی برای کمک به اربابان خود نرخ رسمی لیره را بالا برد و بنا بر تصویب‌نامه‌ای صدور مواد غذایی را از کشور آزاد ساخت و بدین ترتیب قحطی سال‌های ۲۱-۱۳۲۰ را سبب شد. از این رو در ۱۷ آذر ۲۱ در اثر فشار فقر و کمبود نان و خواروبار مردم در صفوف منظم با اعتراض به وضعیت نان به طرف مجلس حرکت کردند. ولی مزدوران شاه، زحمتکشان را در بهارستان و صحن مجلس که در آن اجتماع کرده بودند، به گلوله بستند و عده زیادی را کشته و زخمی کردند.

اکنون بار دیگر مسئله نان برای مصرف‌کنندگان زحمتکش مطرح شده است. به همین دلیل وزارت بازرگانی در صدد برآمد که این مسئله را به ظاهر به نفع "مستضعفین" حل کند ولی در عمل با طرح تصویب شده خود تنها به تثبیت گرانی نان کمک کرد و همچنان بر مشکل نان افزود و علاوه بر آن مشکلات جدیدتری برای زحمتکشان

چه مصرف‌کننده و چه تولید کننده بوجود آورد. طرح وزارت بازرگانی به این ترتیب بود که سهمیه آرد هر نانوائی از ۳۶۰ کیلو به ۳۹۰ کیلو افزایش یابد و نانوائی‌های مجاز بربری، تافتون و سنگک می‌توانند تا این مقدار گندم با قیمت هر کیلو ۷/۵ ریال دریافت دارند و به نانوائی‌های لواش پزی، گندم با قیمت ۱۸ ریال تا ۶۰۰ کیلو فروخته خواهد شد که با در نظر گرفتن حق آرد کردن گندم، این افزایش قیمت آرد نه تنها نمی‌تواند (و عملاً نتوانست) در خدمت سیاست کاهش قیمت نان باشد بلکه قیمت آن را افزایش داد. یک نانوائی لواش پزی می‌گفت: " برای آن نان را گران‌تر می‌فروشیم که قبلاً آرد را می‌خریدیم هر کیلو ۹ ریال، حالا می‌خریم ۱۱ ریال".

حال اگر این سیاست را در رابطه با نقش واسطه‌ها در نظر بگیریم، خواهیم دید که ازدیاد سهمیه تنها به حاد شدن اوضاع کمک کرده است، چه واسطه‌ها بخش اعظم سهمیه نانوائیان را خریداری می‌کنند و یا نانوائیان زیادی هستند که مغازه‌های نانوائی را از واسطه‌ها اجاره کرده‌اند و به ناچار مبلغی را که به واسطه می‌پردازند، بر قیمت نان اضافه می‌کنند. از این جهت وجود واسطه‌ها باعث گران‌تر شدن نان در بازار می‌شود. وجود همین واسطه‌ها قیمت آرد را در بازار آزاد به هر کیلو ۳۳ ریال رسانده و عده زیادی از نانواهای تهران که به کار مستقیم مشغولند و سهمیه مجبور به تهیه آرد به قیمت گران در بازار آزاد یعنی خرید آن از واسطه‌ها همانطور که یک نانوائی بربری پزی می‌گفت: " دکان نانوائی بدون سهمیه در تهران زیاد است و اغلب همین‌ها هستند که نان را گران می‌فروشند، چون که مجبورند آرد را گران‌تر بخرند سهمیه که ندارند از بنگاه می‌خرند که باز هم خود بنگاه‌ها اضافه سهمیه بعضی

نانوائی‌ها را می‌خرند. برای همین چند دست شدن است که این نانوا مجبوره که گران بفروشد. دولت با گران کردن گندم بدون برنامه ریزی دقیق و بدون از میان بردن زمینه فعالیت واسطه‌ها و توزیع دقیق سهمیه‌ها در هر منطقه نخواهد توانست این مشکل را از بین ببرد، اما دولت با طرح خود نشان داد که نه تنها در جهت حل آن گامی برداشته بلکه می‌خواهد وانمود سازد که کارگران نانوائی و نانواهای خرده‌پا که به تولید مستقیم در این رشته مشغولند، باعث گرانی نان هستند تا مردم را در مقابل آنان که بخشی از زحمتکشان جامعه را تشکیل

یکی از نمایندگان اتحادیه کارگران خباز گفت: " کارگران خباز در تهران به کار تهیه نان مورد نیازشان را تهیه و به مبارزه ادامه دهند و حال که انقلاب ما پیروز شده است، مسئولان مربوطه طرحی را به مرحله اجرا گذاشته‌اند که موجب خواهد شد هزاران کارگر خباز در معرض خطر بیکاری قرار گیرند.

می‌دهند، قرار دهد. همانطور که نانوائیان در اجتماع خود مطرح کردند، خواستار آن بودند که ۱۲ نفر از نمایندگان نانوائیان در جلسه بحث آزاد با رئیس جمهور شرکت کرده تا نشان دهند که این‌ها نیستند نان را گران می‌فروشند بلکه این سیاست غلط دولت است که باعث گرانی نان می‌شود. از جمله دیگر مشکلات آفریده شده برای زحمتکشان از جانب طرح بی‌رویه وزارت بازرگانی، لغو ممنوعیت حق تبدیل است که بنا به آن هر نانوا می‌تواند مغازه خود را به پخت هر نوع نان که بخواهد اختصاص دهد، نتیجتاً علاوه بر آن که افزایش تولید لواش که قیمت آن گران‌تر است، مستقیماً به ضرر خریداران زحمتکش آن خواهد بود. این مسئله باعث می‌شود که نانوائی‌های غیر از لواش نوع پخت خود را تغییر دهند و همین امر خود به نایابی نان مصرفی بیشتر زحمتکشان که از نوع بربری و سنگک می‌باشد، منجر شود.

این امر کارگران خبازی را با خطر بیکاری روبرو خواهد ساخت چرا که با تغییر در تبدیل نانوائی‌ها در پی کسب سود بیشتر، کارگران و شاطرهائی که سال‌ها در نوع معینی از پخت نان کار نموده و تخصص پیدا کرده‌اند، دیگر قادر نیستند نوع دیگری نان پخت کنند و یا به همان خوبی کار خود را انجام دهند.

بدین ترتیب ۲۰ هزار کارگر نانوائی که در تهران به کار تهیه نان مشغولند، کارگرانی که به یکی از طاقت‌فرساترین کارها مشغولند، جزو محروم‌ترین زحمتکشان جامعه ما هستند و از حداقل نیازهای زندگی برخوردار نیستند، کارگرانی که از مزایای بیمه برخوردار نیستند، از مرخصی با حقوق محرومند، از دستزد کمی برخوردارند، ساعات طولانی در روز در شرایطی طاقت‌فرسا

مجبور به کاراند و صبح هنگام زودتر از همه به کار می‌روند و شب هنگام دیرتر از همه دست از کار می‌کشند. این کارگران به سبب طرح دولت با خطر بیکاری روبرو می‌شوند دولت به جای پاسخ گوئی به مسائل آنان، با طرح خود به مشکلات آنان و نگرانی آنان افزوده است. یکی از نمایندگان اتحادیه کارگران خباز ضمن اشاره به این موضوع گفت: " کارگران خباز در جریان انقلاب به زیر رگبار مسلسل دژخیمان رژیم منحط پلوی کار کردند تا مردم بتوانند نان مورد نیازشان را تهیه و به مبارزه ادامه دهند و حال که انقلاب ما پیروز شده است، مسئولان مربوطه طرحی را به مرحله اجرا گذاشته‌اند که موجب خواهد شد هزاران کارگر خباز در معرض خطر بیکاری قرار گیرند.

تمامی این مسائل نشان می‌دهد که طرح وزارت بازرگانی که در پشت درهای بسته و بدون توجه به بقیه در صفحه ۱۳

گسترده باد همگامی و همکاری همه نیروهائی که در راه ایرانی آزادی دمکراتیک مبارزه می‌کنند

## کارگران شرکت پاتاق هاریسون متشکل می شوند

عیدی سالانه شان می شوند بلکه مهمتر از آن موفق می شوند شورایی تشکیل دهند که اعتراضات پراکنده کارگران را یکپارچه و متمرکز کرده و قاطعانه به پیش برد. تشکیل این شورا قدمی است در جهت تحقق هدفهای انقلابی کارگران و تقویت و تحکیم صفوف متحد طبقه کارگر در مقابل طبقه سرمایه دار و عواملش. شورای کارگران پاتاق هاریسون اکنون پس از دریافت عیدی سالانه دیگر خواستهای کارگران (هزینه مسکن، خواروبار، حق اولاد و...) را طرح نموده و پیگیرانه در جهت کسب آن مبارزه می کنند.

کارگران شرکت های ساختمانی پاتاق هاریسون ( کارگاه هوانیروز اصفهان ) به دنبال طرح خواستشان ( عیدی سالانه و... ) و عدم توجه کارفرما به این خواستها، از روز ۱۷ فروردین بطور یکپارچه دست به اعتصاب می زنند. در جریان این اعتصاب که پس از ۴ روز به نتیجه می رسد، کارگران به روشنی در می یابند که برای تحقق دیگر خواستهایشان به اتحاد و تشکل پایدارتری نیاز دارند و در نتیجه با انتخاب ۵ نماینده از میان خود شورای خود را تشکیل می دهند. بدس ترتیب در جریان این مبارزه کارگران نتنها موفق به دریافت

### کادک قالساف :

## درده ما کارگراها و کشاورزها دوستدار

## فدائیان هستند و اربابها دشمن فدائیان

در هر وقت به دهکده می آیند از ما طرفداری می کنند و می گویند که اربابها باید از بین بروند. ما هم می بینیم که حرف دل ما را می زنند و ما هم طرفدار آنها می شویم در دهکده اربابها دشمن فدائی و کارگراها و کشاورزها دوستدار فدائی هستند. یکی دیگر از کارگران می گوید "آقای استاندار قرار بود که شما به قالی بافها وام بدهید. چه شد؟ کارگاه را نگاه کن! آب باران داخل جمع شده، خر نمی تواند اینجا زندگی کند." استاندار:

رور پنجشنبه ۱۴ فروردین استاندار مازندران به دهکده "قاضی جهان" از بواب گران رفت و بعد از سخنرانی در مسجد وارد یک کارگاه قالیبافی شد. به محض ورود چشم استاندار به دار قالی افتاد که روی آن نوشته شده بود:

"درود بر فدائی"  
استاندار با لحنی جدی از کارگر پشت دار پرسید:  
رفیق! شما فدائیی هستید؟  
کارگر جواب داد:  
"خیر ما قالیباف هستیم"  
استاندار:  
"پس چرا درود بر فدائی نوشته اید؟"  
کارگر قالیباف:  
"من خودم نوشته ام. در اینجا اربابها که به ما ظلم می کنند و زور می گویند همیشه به فدائیان فحش می دهند. و مرگ بر فدایی می نویسند و ما هم چون مخالف اربابها هستیم از فدائیان حمایت می کنیم و درود بر فدائی می نویسیم. ما چند آشنا در شهر داریم که فدائی هستند

## راهپیمائی کارگران دختانیات ساری برای اعتراض به دستگیری نمایندگانشان

راهپیمائی می زنند. کارگران با شعار:  
"اتحاد، اتحاد، کارگران اتحاد"، "کارگران زندانی آزاد باید گردند" اعتراض و خشم انقلابی خود را نسبت به دستگیری نمایندگانشان نشان دادند. در نتیجه مذاکره بین کارگران و مسئولین دادگاه انقلاب، مسئولین می پذیرند که سریعاً مسئله را مطابق خواست کارگران حل نمایند.

را وادار کردند که آنها را دوباره بر سر کار بازگردانند ولی در تاریخ ۹ فروردین هنگامی که این کارگران برای رسیدگی به کارشان به سپاه پاسداران مراجعه می کنند بار دیگر ( این بار بعنوان "ضد انقلاب") بازداشت می شوند. خبر دستگیری آنها کارگران دختانیات را خشمگین می کند. کارگران در محل کارخانه اجتماع کرده و به طرف "دادگاه انقلاب" دست به

روز شب ۹ فروردین سپاه پاسداران ساری سه تن از نمایندگان کارگران مبارز دختانیات ساری را بازداشت کرد. این سه تن چند ماه قبل توسط کارفرمای دختانیات ساری اخراج شده بودند ولی بر اثر اعتراضات پیگیرانه شان به این ترحم خودسرانه توسط کارفرما و همچنین پشتیبانی و حمایت اکثریت کارگران فصلی از آنها "مقامات مسئول" استانداری

## سرکوب و کشتار کارگران و دیپلمه های بیکار در ماهشهر

رئیس سپاه پاسداران و نماینده امام با توسل به دروغ و تزویر توجه مردم را از علل واقعی کشتار و سرکوب بیکاران منحرف نموده و برای آنکه بر عجز خود در پاسخ دادن به خواستهای مردم سرپوش نهد، نیروهای مرفقی را سبب این فاجعه گروهی از مردم تحریک شده متعاقب آن به دهکده و کتابفروشیها حمله کرده و آنها را به آتش کشیدند.

پاسداران به صف کارگران و دیپلمه های بیکار که برای اعتراض به خبر صدا و سیما جمهوری اسلامی دایر بر عدم پرداخت عیدی به بیکاران بطرف اداره مخابرات در حرکت بودند، تیراندازی سونادر که منجر به شهادت و به این ترتیب مسئولین امر مسئله عیدی کارگران بیکار را در ماهشهر "حل" می کنند.

در تاریخ ۱۰ فروردین طبق صورتجلسه ای با حضور فرماندار، رئیس شهرستانی، رئیس سپاه پاسداران و نمایندگان کارگران و دیپلمه های بیکار قرار می شود مهربانی از اسامی بیکاران جهت پرداخت عیدی و مدتی که از این توافق می گذرد فرماندار از اجرای طرح خودداری میکند. در روز دوشنبه ۱۸ فروردین سپاه

## توطئه مشترک کارفرما و استاندار علیه شورای کارخانه قند ارومیه

فروش برسانند. ولی مسئولان دولتی با کارشکنی و سنگ اندازی جلوی این حرکت شورا را می گیرند. آنان برای حفظ منافع سرمایه داران و پیشبرد سیاستهای ضد کارگری شان این تصمیم شورا را "اخلالگری" قلمداد کرده و اجازه فروش محصول کارخانه را که حاصل دسترنج خود کارگران است، نمی دهند. کارگران مبارز قند ارومیه ضمن تاکید بر لزوم همبستگی و یکپارچگی همه کارگران ( دائم و موقت) در برابر توطئه های تفرقه افکنانه عوامل سرمایه دار و استانداری ارومیه سیاستهای ضدشورائی و ضدکارگری "مسئولان دولتی" ( حفقو و...) را افشا نموده و به مبارزه پیگیرانه شان جهت تحقق خواستهایشان ادامه می دهند.

کار که قبلا در برابر خواستهای کارگران کارشکنی می کرد سرانجام در اثر مبارزه پیگیرانه و یکپارچه کارگران مجبور به پذیرش خواستهای کارگران گردید ولی استاندار (حقکو) تاکنون برای پرداخت حقوق و مزایای کارگران موقت وام مورد درخواست کارخانه را نپرداخته و بدین ترتیب موجبات توطئه گری سرمایه دار را بر علیه کارگران فراهم آورده است. عوامل کارفرما این امر را نشانه عدم صلاحیت شورای کارخانه در پاسخ به خواست کارگران موقت جلوه داده و سعی در تفرقه افکنی بین شوراها و کارگران فصلی را دارند. شورای کارخانه تصمیم می گیرد برای پرداخت مزد عقب افتاده کارگران موقت، در صورتی که استانداری از پرداخت وام خودداری نماید قند و شکر تولید شده را به

کارگران فصلی کارخانه قند ارومیه، دوماه است که برای گرفتن حقوق و مزایای عقب مانده شان به اداره کار و استانداری شکایت کرده اند اما مسئولان دولتی تاکنون به خواستهای آنان پاسخ نداده اند. اکنون که در اثر مبارزات پیگیرانه کارگران ( دائم و فصلی) بخشی از سرمایه کارخانه ملی شده و کارگران دائم این کارخانه با تشکیل شورای کارخانه، نظارت بر امر تولید و توزیع را بعهده گرفته اند، عوامل کارفرما و عمالش با توطئه جینی سعی در انحلال شورای کارخانه را دارند. آنها با تزویر و دسیسه سعی دارند شورای کارخانه را در مقابل کارگران فصلی قرار داده و باعث تضعیف و انحلال آن شوند تا راه برای بازگشت عوامل مزدور سرمایه دار ( حاجی طرحانی) به کارخانه باز شود. اداره

# استقلال - کار - مسکن - آزادی





# مسئله نان و سیاست های دولت ...

بهبه از صفحه ۹

تجربیات تولید کنندگان زحمتکش به تصویر رسیده، حتی برای مدت زمان کوتاهی نتوانست جانب منافع مصرف کنندگان و تولید کنندگان زحمتکش را بگیرد بلکه با طرح فوق راه همپان برای سودجویی واسطه ها باز گذاشته شد. نان گران تر و کمهت آن برای زحمتکش پائین آمد. در حالیکه صاحبان پول اندک، نان برشته گوشه سفره خود را هم چنان با پرداخت پول بیشتر تهیه می نمایند. همه این شکست نتیجه سیاست های سازشکارانه دولت و بی اعتنایی آنها نسبت به زحمتکش است. هر حالیکه زحمتکش همیشه آماده و توانا برای حل مشکلات خود بوده و هستند ولی دولت مانع آن است. چندی پیش یکی از نمایندگان اتحادیه کارگران خیاباری در این مورد گفت: ... حتی طرحی را به دولت ارائه داده ام که بر اساس آن یک سازمان واحد برای آرد و نان ایجاد شود و دست کلیه واسطه های سودجو و دلال های معروف و اجاره بگیرها و چند ضلعی ها از آرد و نان کوتاه گردد، اما با کمال تأسف نه تنها طرح ما را مورد بررسی و مطالعه قرار نداده اند بلکه برای طرح جدیدی که چند روزی است به مرحله اجرا گذاشته اند از ما که نمایندگان بیش از ۲۰ هزار نفر کارگر خیابار هستیم، نظرخواهی نکردند و طبق روال گذشته در اتاق های در بسته در مورد سرنوشت ما تصمیم ناهق گرفته اند. کمک نرفتن از خود کارگران برای تولید، توزیع و کنترل و نظارت بر آن، بهمانند به تجربیات و طرح های خود آنان، ادامه سیاست های ضدشورائی دولت و سهم تراز همه سودجویی های سرمایه دارانی که مورد حمایت دولت اند، باعث گرانی و کمبود نان است. گرانی و کمبود نان اینک زندگی زحمتکش را سخت تر از گذشته ساخته است.



# سازمان پیکار و بیگانه با ...

بقیم از صفحه ۱۱

و اداری کند. این تفکر نمی تواند درک کند که کارگران به شیوه خاص خود که متناسب با درجه آگاهی و سطح مبارزاتی شان است به این شیوه از مبارزه دست می زنند. این پیش کسب اعتماد توده های را صرفا مفسول تاکتیک هایش می داند نه مبنای تاکتیک هایش که باید اتخاذ کند. این رفقا از آنجائی که فکر می کنند به توده ها اعتماد دارند، عملا نیازی به اعتماد متقابل توده ها نمی بینند. فرات از دامنه ذهنیت و عملکرد عناصر آگاه در این یا آن کارخانه با پیش و سیاستی سرورکار داریم که بر جریاناتی از جنبش کمونیستی ایران مستولی است. مبتای چپ روی در شیوه های مبارزاتی شان است. یعنی پیشی که نه تنها بر درس های ساده و تاریخی لنینی خط بطلان می کشد بلکه از تجربیات منفی روزمره خودش نیز غافل است. آنهایی که "کار جدا از توده" و "شی چریکی" را در حرف رد می کنند، هنگام عمل (پس از) اخراج از کارخانه و جدا ماندن از توده کارگران) اینگونه استدلال می کنند که:

... اگر ما را اخراج کنند، لافل خاطر ما در ذهن کارگران می ماند و همیشه می گویند عجب کارگران مبارزی بودند!!

بله مقصر کارگرانند که نمی توانند "رهنمودهای" آنان را درک نمایند. "شی چریکی" ذهنیت جدا از توده" و "دید محفلی" به چه می گویند؟ چه کسی در گرداب "دید گروهی" غرق است؟

نشریه "پیکار" در شماره ۴۵ طی مقاله ای بنام "تجرباتی از کار توده های انقلابی در میان کارگران" سعی می کند به بررسی انتقادی مسئله کارگران اخراجی بپردازد و تجاربی زبون از کار توده های انقلابی عرضه کند. بدون آنکه خود چیزی از این مقوله آموخته باشد. این "بررسی انتقادی" تنها به جوانبی از "حرکات جدا از توده های رفقای اخراجی" انتقاد می کند و ایدا از این مسئله که این "حرکات" انعکاس "رهنمودهای" چه سازمانی است، سخنی نمی گوید. و از نشان دادن ارتباط بین "اشتباهات" با پیش محفلی و گروهی حاکم بر سازمان پیکار، رزمندگان و ... طفره می رود و بدون آنکه از "بررسی انتقادی" (که تنها نمونه ای از تجارب منفی روزمره شان است) درسی بگیرد، سرانجام تبلور (تجاریش) را از "کار توده های انقلابی" در انتهای مقاله اینچنین توجیه کرده و رهنمود می دهد:

"ما باید بدون دنباله روی از کارگران، خواست های آنان را ارتقا داده و در به راه انداختن مبارزات توده های و نه جدا از توده و رهبری و هدایت آن بکوشیم" (تکیه روی کلمات از ماست)

اولا - کمونیست ها نه بر محور ارتقاء خواست های کارگران بلکه بر محور ارتقاء آگاهی و تشکل کارگران حرکت می کنند.

ثانیا - پیروان کمونیست مبارزات توده ای را به راه نمی اندازند بلکه مبارزات توده ای را سازماندهی می کنند.

انحرافات که در بسیاری از کارگاه ها و کارخانه ها شاهدش هستیم کاربست مستقیم چنین "رهنمودهایی" است. در پرتو این رهنمودها مبارزات توده ای "به راه انداخته می شود" برای آنکه اخراج "رهنموددهندگان" را تسهیل کند و رسالت پیروان کمونیست را بی اعتبار سازد. برای آنکه در انسجام و اتحاد پرولتری وقفه ایجاد کند، سنگرها را یکی پس از دیگری به دشمن تسلیم کند و رابطه بین توده و پیشرو را بیش از پیش خدشه دار سازد.

بهتر است "برجمداران کار توده ای انقلابی" در مورد دید گروهی و پیش توده ای و فرق میان این دو بیشتر تعمق کنند و جنبش کارگری ایران را از اقتداء به چنین "رهنمودهایی" صاف دارند.

بقیم از صفحه ۱۲

# در کردار به آموزش های ...

جهانی که بصورت تئوری تدوین گردیده است، این انحراف را بهمان سان که "مارکسیسم کتابی" را مردود می شمارد، رد می کند. لنین بر این اعتقاد بود که در برخورد با هر مسئله مشخص باید ابتدا اصول تئوریک ناظر بر آن مسئله را تراکت تا مسیر خود را روشن نماییم.

در شرایط کنونی که جنبش کمونیستی مبین ما وارد مرحله نوینی از سیر تکامل خود می گردد، ضرورت مبارزه با انحرافات که همچنان چنگ بر تئوری های گسسته از روند عینی مبارزه طبقاتی می افکنند و بر ریسمان بافته های ذهنی خود که در هوا معلق است آویزان شده اند و با بدون توجه به تئوری راهنما، پراگماتیسم را رهنمون حرکت خود قرار داده اند، بیش از پیش باید مورد توجه قرار گیرد. تاکید بر شیوه لنینی آموزش تئوری انقلابی و قرار دادن تئوری بر روی دوپا و بر متن قانونمندی عینی تکامل جامعه یک ضرورت مبرم است.

یکصد و هفتمین سالگرد تولد لنین کبیر، رزمنده راستین راه رهایی طبقه کارگر و زحمتکش جهان را با درس گیری از آموزش های او گرامی می داریم.

نام لنین در قلب پرولتاریای جهان زنده است

بشماره های کمونیستی می داند. این آموزش فراگیری معلوماتی است که کمونیسم خود به واسطه آن بوجود آمده و راه تکامل را پیموده است. تئوری مارکس در سیر تدوین و تکامل خود به بررسی همه جانبه جامعه پرولتری می پردازد و با استفاده از دستاوردهای علمی زوال ناپذیر این مناسبات را نمایان می سازد. این بررسی به شکلی دقیق، مشروح و عمیق به انجام می رسد و همین مسئله راز تبدیل تئوری های مارکس به آموزش انقلابی میلیونها کارگر و زحمتکش سراسر جهان است. مارکس خود بر این باور بود که "تئوری همینکه در توده ها نفوذ کند خود یک نیروی مادی می شود" و برای اینکه تئوری در توده ها نفوذ کند باید از روح زنده واقعیات و سیر عینی مبارزه طبقاتی کسب گردد.

اینک در آستانه صد و هفتمین سالگرد تولد لنین کبیر، ما یکبار دیگر بر این آموزش های مارکسیسم - لنینیسم تاکید می کنیم. لنینیسم همواره علیه دو گرایش انحرافی محدود ساختن آموزش تئوری به "کتاب" و دور از واقعیات زنده مبارزه طبقاتی و همچنین عمل بدون تئوری و کور مبارزه کرده و در مسیر این مبارزه چون پولاد آبدیده شده است. لنین عملگرایی یعنی پیروان تئوریک به تجربیات غنی جنبش پرولتاریای

## قالیبافان گویون بولاغ

در بزرگداشت لنین

بارها ستایش شده است، رفیق لنین. مجسمه های نیم تنه و تمام قد از او می سازند. تماش را بر شهرها می بینند و بر کودکان نیز. خطابه های به همه زبانها می خوانند. در انجمن ها و میتینگها از شانگهای تا شیگاگو برای بزرگداشت لنین.

اما این چنین او را ارج داشته اند، قالیبافان گویون بولاغ.

دهکده ای کوچک در جنوب ترکمنستان؛ بیست قالیباف، شب هنگام در آنجا هستند از تب، لرزان. و از گارگاه محقرشان، تب زبانه می کشد.

ایستگاه رله آهن از انبوه پشه پوشیده است. گندناش از مرداب برمی خیزد، مردابی که پشت گورستان قدیمی ده است.

اما قطاری که هر دو هفته یکبار، آب آشامیدنی و توتون می آورد، خبر می آورد که: روز بزرگداشت رفیق لنین نزدیک است.

و مردم گویون بولاغ، مردم فقیر، قالیبافان، تصمیم می گیرند که مجسمه نیم تنه ای از رفیق لنین، در ده شان بر پا دارند.

به هنگام گردآوری پول برای مجسمه، مردم ده لرزان از تب، می آیند و چند کوپک پولی که دشوار به دست آورده اند، به دستهای لرزان، می دهند.

"استپا مالوف" از ارتش سرخ پولها را - در نهایت امانت - می شمارد و به دقت می بیند.

لداکاری ایشان را برای بزرگداشت لنین

و دلشاد می شود، اما او دستهای لرزان را نیز می بیند.

و ناگهان پیشنهاد می کند:

با پولی که برای مجسمه گرد آمده، نفت بخرید و روی مرداب پشت گورستان بریزید.

مردابی که زادگاه پشه است، پشه های گسسته تیب آفرینند.

و بدین سان، در گویون بولاغ مبارزه می کنیم و بدینگونه ارج می نهمیم و پاس می داریم اندیشه های رفیق لنین را، که هرگز فراموش نخواهد شد.

آنها بر این کار مصمم شدند - در روز بزرگداشت، سطلهای کهنه، پر شده از نفت سیاه را یکی از بی دیگری به مرداب بردند و مرداب را با نفت پوشاندند. بدینگونه در خدمت خویش بودند، همچنانکه لنین را ارج می نهادند.

و او را می ستودند: در خدمت به خویش، پس ایشان، خواست آن را مردود را فهمیده بودند. شنیدیم که چگونه مردم گویون بولاغ، لنین را ارج نهادند.

و آنگاه به هنگام شب، پس از آنکه نفت را به مرداب ریختند مردی از جمع به پا خاست و خواست که تابلویی در ایستگاه راه آهن نصب شود.

و بیان کند تمامی ماجرا را با "تعبیر نقشه و تبدیل مجسمه نیم تنه لنین را به ریشه گنسی مالاریا، با چند تن نفت. یعنی بزرگداشت واقعی رفیق لنین" و تابلو آویخته شد.

"برتولت برشت"

## حماسه شهادت رفقا بیژن و همزمان گرامی باد

### مادر توماج: بالاخره بنی صدر نکفت عاملین...

بهشت زهرا یکپارچه شور و هیجان بود. مردم تهران خاطره قهرمانانی را گرامی می داشتند که خون سرخشان در تپه های آه این لاله های سرخی را آرزو کرد که پهنه کشور را بپوشاند. شهادت این رفقا در آغوش مرگ دیکتاتوری فاشیستی حکومتی را می نواخت. این کشتار تیری بود در تاریکی، رژیم پهلوی می خواست با آخرین تیر ترکش لحظاتی دیگر بر زندگی ننکین خود بیفزاید و چند صباحی دیگر خود را سرپا ننگهدارد.

حکومت فکر می کرد با تیرباران پیشگامان و پیشقراولان جنبش توده های قادر خواهد بود خلق را از پای بنشاند و قدرت انقلابی توده های را که هر روز بیش از روز پیش فزونی می گرفت، سرکوب کند.

جمعه ۲۹ فروردین ۵۹ دهها هزار نفر از مردم زحمتکش تهران در قطعه ۳۳ بهشت زهرا گرد آمدند. آنان گرد آمدند تا بار دیگر با شهدای خود پیمان ببندند که همچون آنان از پای ننشینند و تا آخرین قطره خونشان از آزادی و حقوق حقه شان دفاع کنند. آنان گرد آمدند که به خون شهدای خلق پیمان ببندند که تا جان در بدن دارند در نابودی کامل دشمنان خلق و افشای سازشکاران لحظه ای از پای ننشینند.

در این مراسم ابتدا پیام خانواده های شهدا توسط فرزندان رفیق بیژن جزئی خواند شد:

"مبارزه، مقاومت و رزمندگی هفت شهید فدایی خلق، محمد چوپانزاده، فرزندان راستین طبقه کارگر ایران، عباس سورکی، عزیز سمردی، احمد جلیل افشار، سعید کلانتری، حسن ضیاءظریفی و بیژن جزئی که تمام وجود خود را برای نابودی سلطه سرمایه داری وابسته به امپریالیسم و بهروری خلق و طبقه کارگر ایثار کردند، همیشه در تاریخ مبارزات مبین ما جاودان خواهد ماند و مبارزان کشور ما آن را چون میثاقی حفظ کرده و

در ارتقاء مبارزات خود از آن بهره خواهند گرفت." مردمی که زیر آفتاب، روی زمین نشسته بودند، با شور زاید الوصفی در بیستن سخنرانی ها شعار می دادند: "برچیدن شوراها، خلع سلاح مردم، علیه زحمتکشان به نفع امپریالیسم".

"شهید فدائی، آتش انتقامی، شعله هر قیامی" بعد از پیام خانواده های شهدا یکی از رفقا شعری خواند که به مناسبت شهادت ۹ رزمنده فدائی و مجاهد سروده بود و در پی آن یکی از رفقای همبند رفقای شهید پشت میکروفون قرار گرفت و پیرامون خصوصیات رفقای فدائی شهید و سنت هایی که آنان در زندان پایه گذاری کردند، سخن گفت. او در بخشی از سخنانش اظهار داشت:

"در زندان وقتی که ما را به شکنجه گاه می بردند، هر عملی که از دستشان ساخته بود می کردند که روحیه ما را بشکنند. آنها به تمسخر می گفتند: کجا هستند آن مردمی که شما از آن دم می زنید؟ دزخیمان از پنجره مردم را به ما نشان می دادند و می گفتند: ببینید، مرده بی خیالند و شما در اینجا می پوسید. اما فدائیان بازجوها و شکنجه گرها را مورد خطاب قرار می دادند و می گفتند: می شنوید؟ صدای پای مردم را می شنوید؟ من به این پاها تعلق دارم و مردم روی پاهای خود ایستاده اند و من تا زمانی که مردم روی پای خود ایستاده اند چون به آنها تعلق دارم، روی پاهایم خواهم ایستاد."

رفیق هم بند رفقا در بخش دیگری از سخنان خود چنین گفت:

"رفقا بیژن و همزمان همه چیز را با ملاک منافع جنبش توده های ارزیابی می کردند. این آموزش بزرگی برای انقلابیون است که همیشه چشم و گوشان متوجه توده های مردم باشد. اعتقاد آنها این بود که شادمانی یک

انقلابی وقتی است که وظیفه خود را در قبال مردم، در قبال زحمتکشان به درستی انجام داده باشد. آنها در عین حال با همین ملاک با استنتاج ها و نظریات خود برخورد می کردند. بارها شاهد بودم که چگونه رفقا بویژه رفیق بیژن زمانی که اطلاعات صحیح تری از جنبش دریافت می کرد متعهدانه استنتاج های قلبی خود را که بر اساس اطلاعات ناقص تکیه داشت تصحیح می کرد. او در مقدمه تمامی آثار خود بر این حقیقت تاکید دارد.

امپریالیسم آگاهی داشته باشند و اتحاد خود را در این مبارزه حفظ کنند. رادیو تلویزیون به جای اینکه در این شرایط کانونی برای بحث پیرامون مسائل روز مثل مبارزه با امپریالیسم، بیکاری، فقر و... باشد، می خواهد بحث های مجرد و نفاق افکنانه راه اندازد و چنین پیشنهادی در چنین شرایطی به معنای این است که مردم ما را می خواهند از مبارزه های که در پیش دارند منحرف کنند. این رفیق ادامه داد: "امروز شما می شنوید و



شاهدید که دانشگاه ها را که همواره سنگر مبارزه توده ها بوده است چگونه می کوشند به آن یورش برند و دانشگاه ها را که به شهادت تاریخ خود دانشگاهها همیشه جانی بوده است که مشت دشمنان مردم را باز می کرده به تعطیل بکشاند و توطئه های خود را عملی سازد. انقلابیون باید هوشیار باشند و با نهراسیدن از شهادت هایی که در پیش است از آزادی و همه سنگر هایی که افشاگر دشمنان مردم ماست، حراست کنند و اتحاد آنان را در مبارزه با امپریالیسم که چیزی جز مبارزه با فقر، بیکاری، تبعیض، سانسور و اختناق نیست، حفاظت کنند و هر چه بیشتر آنها

شهادت هفت فدایی خلق و دو مجاهد در عین حال این نکته را به اثبات می رساند که چگونه وقتی مبارزه با دشمن مشترک در کار باشد، انقلابیون کمونیست و نیروهای ترقیخواه مذهبی می توانند با صفوف متحد خود حماسه ها بیافرینند. شهادت آنها حقیقی بودن اتحاد عمل نیروهای انقلابی، ترقیخواه و ضد امپریالیست را گواهی می دهد. رفیق در ادامه سخنانش به دعوت رادیو تلویزیون برای بحث در مورد مسائل کلی، مثل روبنا و دیالکتیک و... اشاره کرد و گفت: "این پیشنهاد در شرایطی می شود که مردم ما بیش از هر زمان دیگر باید راجع به مبارزه با

را استحکام بخشند. در پایان سخنرانی رفیق جمعیت با مشت های گره کرده شعار می داد: "اشغال دانشگاه ها، توطئه ارتجاع، خدمت به امپریالیسم". شعار هر فدائی پیروزی توده ها، نبرد با امریکا، در سنگر فدائی، نه سازش، نه تسلیم، نبرد با امریکا. خون سرخ فدائی پرچم ایران ماست. سپس اعضای خانواده های فدائیان شهید رفقا توماج، مختوم، واحدی و جرجانی و نیز همسر و فرزند فدائی شهید گرجی بیانی پشت تریبون آمدند که با شور و استقبال وسیع شرکت کنندگان مواجه شدند. تایماز پسر رفیق شهید توماج در حالی که گل سرخی به دست داشت با مشت گره کرده در کنار دیگران ایستاده بود. در این موقع جمعیت شعار می داد: "مختوم توماج واحدی، جرجانی، شهید خلق ترکمن راحت ادامه داد."

"یاشاسین فدائی...". درود بر تومادر فدائی" آنگاه مادر فدائی شهید توماج روستائی پیری که به نمایندگی از طرف خانواده شهدای رزمنده خلق ترکمن آمده بود سخن گفت. سخنرانی این مادر قهرمان، این ساده روستائی در میان جمعیت شغف و شور و هیجان خاصی ایجاد کرده بود. صمیمیت و صداقت این مادر قهرمان همراه با قاطعیت و غرور زاید الوصفش نه یادآور غم مادر یک شهید بلکه یاد آور شور و عشق پهنآور گندمزاری بود که چشم خونینش به جانب بهار خجسته زحمتکشان خیره مانده است با عظمت و شجاعت بی پایانی که باید خلق زحمتکشی را از بند برهاند و در مقابل خونخوارترین دشمن انسانها یعنی امپریالیسم جهانخوار به سرکردگی امریکا نجات بخشد او ابتدا به شرح زندگی سراسر مبارزه و انقلابی فرزندان دلاورش توماج پرداخت و گفت: "وقتی او را (توماج) در زندان ملاقات کردم به ا گفتم فرزندم! ناراحت نباش که راه تو راه خلق است، همیشه پیروزی آن خلقهاست. بقیه در صفحه ۵

## گرامی باد خاطر همه شهیدای خلق



### حماسه شهادت رفقا بیژن و

بقیه از صفحه ۱۴

می دانستم توماج نه فقط برای خلق ترکمن بلکه برای رهائی تمام زحمتکشان ایران مبارزه می کرد. مادر توماج در حالی که بی وقفه و پرحسبیت حرف می زد پیرامون ترور ناجوانمردانه رهبران خلق ترکمن در رژیم جمهوری اسلامی گفت:

بچه های فدائی در انقلاب زحمت کشیدند و همگام با زحمتکشان برای رهائی خلق از ستم به مبارزه خود ادامه دادند. هیئت حاکمه در قیام که فرزندان خلق مبارزه می کردند کجا بودند که حالا آنها را به شیوه فاشیستی ترور می کنند؟ آنها چهار فرزند خلق را که به خاطر مردم زحمتکش مبارزه می کردند و به دهقان می گفتند "زمین از آن کسی است که روی آن کار می کند" ترور می کنند. هیئت حاکمه که دم از خلق می زند پس چرا از شوراها دهقانی دفاع نمی کند و می آید زمینداران بزرگ را مسلح می کند و آنها راه جنگ خلق می فرستد؟! مادر توماج ادامه داد:

آقای بنی صدر! من از شما جواب می خواهم که چه کسانی فدائیان خلق را ترور کردند. باید همانطور که در مناظره تلویزیونی قول دادی، قاتلین آنها در دادگاه خلق محاکمه شوند. مادر توماج در ادامه صحبت هایش به جریانات اخیر دورود که منجر به کشته و زخمی شدن دهها تن از هموطنانمان شد اشاره کرد و گفت:

در شهر دورود می خواهند بلائی را که به سر پسر و مختوم و واحدی و جرجانی آوردند، به سر آنها (هواداران سازمان) درآورند. می خواهند آنها را در زندان ترور کنند. از شما فرزندانم می خواهم نگذارید فرزندان خلق را در شهر دورود اعدام کنند. در حالی که جمعیت شعار می داد دورود بر تو مادر فدائی، مادر رفیق توماج

سخنانش را به پایان برد. لازم به تذکر است که در بین برنامه مراسم بزرگداشت ۹ رزمنده خلق از شهدای دیگر سازمان از آنجمله رفقا پنجه شاهی ها، سلاخی ها، مومنی، رضوانی و ... تجلیل شد.

پس از سخنرانی مادر رفیق توماج پیام های جداگانه سازمان و دانشجویان پیشگام به مناسبت توطئه ای که علیه دانشگاهها جریان دارد، قرائت شد. در پایان جمعیت شرکت کننده با شعار:

**"هفتاد هزار کشته، صد ها هزار زخمی، هرگز نباید سازش، هرگز نباید تسلیم"**

در محوطه بهشت زهرا و در قطعه ای که شهدای ۱۷ شهریور و فدائیان و مجاهدین خلق دفن شده اند به راهپیمایی پرداختند و با گذاشتن گل های سرخ بر روی مزارهایشان و خواندن سرود اتحاد از شهدای به خون خفته خلق تجلیل به عمل آوردند. این مراسم پرشور در ساعت ۱ بعد از ظهر پایان یافت.

#### در حاشیه مراسم روز جمعه

وقتی که هنوز مراسم شروع نشده بود، در گوشه ای مادران توماج و مختوم و همسر جرجانی و خواهران توماج نشسته بودند. مادران فدائیان شهید دیگر از آنجمله مادران رفیق جزینی، افشار، سردی، فضیلت کلام ها و ... به دورشان حلقه زده بودند احساس نزدیکی و پیوند عمیق بینشان بود. وقتی مادر رفقای شهید سلاخی ها به مادر توماج برخورد با سرافرازی به مادر توماج گفت: "راه فرزند شهیدت ادامه دارد"

و هنگام معارفه مادر رفقای شهید مهدی، انوش و شیرین فضیلت کلام با مادران و بستگان شهدای خلق ترکمن، مادر رفقا فضیلت کلام ها عکسهای فرزندان دلاورش را به مادر توماج نشان داد و به او تبریک گفت. مادر توماج نیز با حالتی غرور انگیز دست در دست مادر فضیلت کلام ها گذاشت و متقابلاً تبریک گفت.

### گرامی داشت شهادت

#### ۹ رزمنده خلق

#### در گیلان

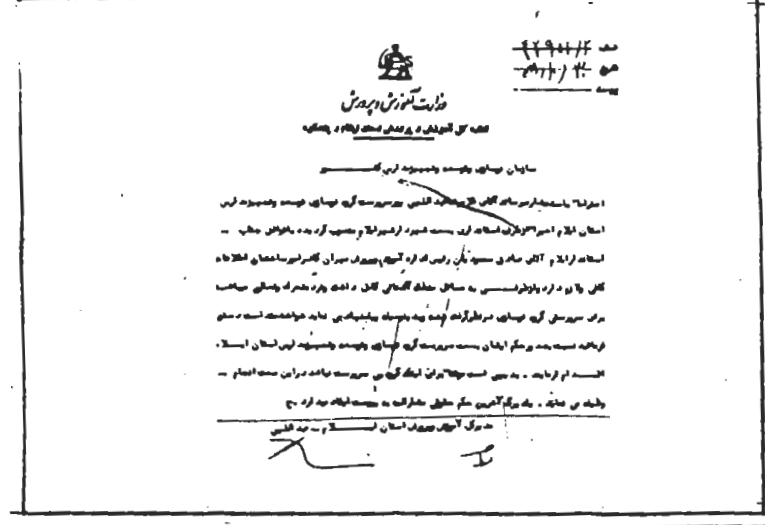
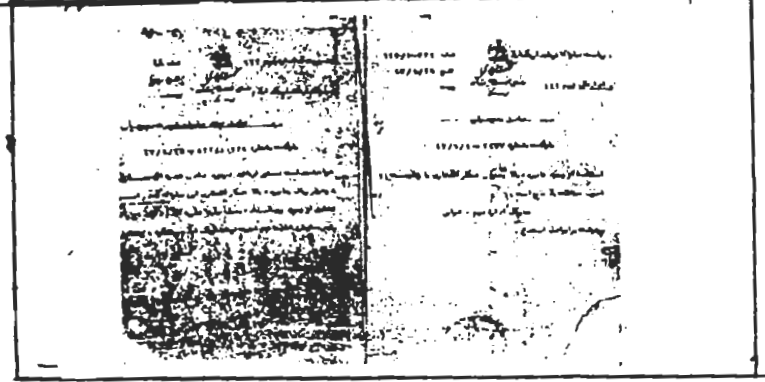


مراسم گرامی داشت شهادت ۹ رزمنده خلق رفقا بیژن جزینی و همزمان در گیلان (لاهیجان و رشت) هر چه با شکوه تر برگزار شد. در این مراسم هزاران نفر از زحمتکشان گیلان که از شور مبارزاتی سرشار بودند شرکت داشتند. فریاد "مرگ بر امریکا"، "مرگ بر سازشکار"، "درد بر فدائی" که در فضای سرسبز و لبریز از باروری و شکوفائی لاهیجان و رشت طنین افکن شد، نشان از اراده ای راسخ برای درهم کوبیدن سلطه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا در میهنمان داشت.

در این مراسم یکی از رفقا درباره مبارزات ضد امپریالیستی توده ها و سیاست های سازشکارانه بنی صدر سخنرانی کرد. استقبال صمیمانه و پرشور زحمتکشان و نیروهای مترقی گیلان از این مراسم بیانگر این بود که پیوند سازمان با توده ها هر روز گسترده تر و عمیق تر می شود. سازمان ما با تکیه بر چنین نیروی لایزال است که استوار و تزلزل ناپذیر در جهت سازماندهی مبارزات کارگران، دهقانان و کلیه زحمتکشان علیه امپریالیسم جهانی و طبقه سرمایه دار ایران پیش می رود. همچنین در این مراسم نمایشی از سیاست های پشت پرده سازشکاران و رابطه آنان با "کاخ سفید امریکا" توسط دانشجویان پیشگام به اجرا درآمد. موفقیت چشم گیر این گروه های نشان از تلاش شبانه روزی و قابل تحسین دانشجویان و دانش آموزان پیشگام در جهت ارتقاء سطح آگاهی توده های به پا خاسته ما داشت.

## ساواکی ها را به کار باز می گردانند!

سندی که در زیر درج شده، نشان می دهد که چگونه ساواکی ها از زندان آزاد می شوند و چگونه بر مسند کارهای حساس مشغول می گردند. این سند یکی از هزاران نمونه ای است که نشان می دهد هدف از



### با پخش اعلامیه های جعلی به نام ...

ضد خلقی خود پرده بیندازد و با اصطلاح خود را در صف نیروهای مترقی جا بزنند. آنها در حالی دست به چنین عوامفریبی هایی می زنند که در داخل عراق کمونیست ها را گروه گروه اعدام می کنند، زحمتکشان کردستان عراق را به خاک و خون می کشند، با دامن زدن به اختلافات مذهبی مردم را به شیعه و سنی تقسیم می کنند. هزاران زحمتکش را به بهانه های مختلف از خانه و کاشانه خود آواره می کنند و با جنگ افروزی در مرزهای ایران زمینه را برای تقویت ارتش ضد خلقی ایران و سرکوب کردستان فراهم می آورند. آنها در همان خطی حرکت می کنند که فرماندهان مزدور ارتش جمهوری اسلامی ایران مدتها است برای تجدید سازمان ارتش و سرکوب مبارزات مردم ایران دنبال کرده اند. این است ماهیت رژیمی که در زادیوهای خود مدام به فریب توده ها مشغول است. هواداران سازمان باید در هر کجا که هستند با کار توضیحی عملکرد رژیم عراق و موضعگیری سازمان در رابطه با آن را برای توده ها روشن سازند و بویژه با نفوذ تبلیغات منحط رادیو بغداد هر جا که با آن برخورد می کنند بشدت مبارزه نمایند و توضیح دهند که رادیو - بغداد نیز مثل رادیو تلویزیون ایران اما به گونه ای دیگر قصد فریب توده های ایران و عراق و منحرف ساختن مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق های ایران و عراق را دارد.

## مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا

### شورای انقلاب ورهبری باندهای سیاه

در تاریخ ۱۹ فروردین امسال، یعنی کمتر از دو هفته پیش شورای انقلاب مبلغ دو میلیون و هفتصد و پنجاه هزار دلار که معادل بیش از ۳۰۰ میلیون ریال است، به محسن رفیق دوست که یکی از عاملان ترور فدائیان شهید توماج و همزمان است، پرداخت کرده تا نامبرده از یک کشور نامعلوم اسلحه خریداری کند.

در تاریخ ۱۹ فروردین امسال، یعنی کمتر از دو هفته پیش شورای انقلاب مبلغ دو میلیون و هفتصد و پنجاه هزار دلار که معادل بیش از ۳۰۰ میلیون ریال است، به محسن رفیق دوست که یکی از عاملان ترور فدائیان شهید توماج و همزمان است، پرداخت کرده تا نامبرده از یک کشور نامعلوم اسلحه خریداری کند.

این اقدام شورای انقلاب بیانگر چند نکته مهم است:

۱- شورای انقلاب به محسن رفیق دوست که شهدای خلق - توماج، محتوم، جرجانی و واحدی - را از زندان اوین تحویل گرفته و به شهادت رسانده است، نزدیکترین روابط را دارد. در واقع محسن رفیق دوست از عناصر نادری است که مورد اعتماد کامل شورای انقلاب است. این واقعت انبساط می‌کند که شورای انقلاب در فاجعه ترور رهبران خلق ترکمن مستقیماً دست داشته است و نیز نشان می‌دهد که حداقل تعدادی از رهبران باندهای سیاه که هر روز در گوشه و کنار میهن ما به جنایتی تازه دست می‌زنند مستقیماً زیر نظر شورای انقلاب عمل می‌کنند.

بانه مادران - اداره احیای النخل  
مبلغ ۱۲۰۰۰/۱۹/۱۹  
مبلغ ۸۰۰۰/۱۲/۲۲  
بانه مادران - اداره احیای النخل  
مبلغ ۱۲۰۰۰/۱۹/۱۹  
مبلغ ۸۰۰۰/۱۲/۲۲  
بانه مادران - اداره احیای النخل  
مبلغ ۱۲۰۰۰/۱۹/۱۹  
مبلغ ۸۰۰۰/۱۲/۲۲

### حماسه شهادت رفقا بیژن و همزمان گرامی باد مادر توماج:

### بالاخره بنی صدر نکفت عاملین شهادت فرزندان دلاور خلق ترکمن چه کسانی هستند؟

دهپان هزار نفر از مردم نهران با نثار گل‌های سرخ خاطره شهادت قهرمانانه رزمندگان خلق، فدائیان و مجاهدین بیژن جزینی، ظریفی، سورکی، کلانتری، جوانزاده، افشار، سرمدی، ذوالانوار و خوشدل را گرامی داشتند.

بقیه در صفحه ۱۴  
محتوای گره کرده مادر توماج و مادر محتوم، مادران شهیدان بهمن غفنه خلق ترکمن و تاجا پسر توماج باد آور حساسه ترور آفرین خلق ترکمن و با آرزوی عشق و شکره به نثار کنندگان بهمن غفنه است که بسوی بهار خجسته زحمتکشان چشم دوخته است.  
عکس: مادر توماج در حال صحبت نشان می‌دهد.



این سند به خوبی نشان می‌دهد که شورای انقلاب که از رشد جنبش خلق و اتحاد زحمتکشان به وحشت افتاده است برای سرکوب خونین زحمتکشان آماده می‌شود. این سند نشان می‌دهد که امروز برای تداوم مبارزات ضدامپریالیستی توده‌ها وحدت نیروهای انقلابی و اتحاد هرچه سریعتر و هرچه بیشتر زحمتکشان تا چه حد ضرورت دارد.

عذاب هستند و در شرایطی که زحمتکشان ما یک سرپناه ندارند، شورای انقلاب مخفیانه میلیونها تومان پول مردم را برای خرید اسلحه به باد می‌دهد و قطعا نمونه فوق یکی از دهها نمونه است.  
۳- شورای انقلاب این سلاح‌ها را برای تجهیز باندهای سیاه و تروریست‌هایی که زیر پوشش دفاع از اسلام به آدم ربایی و کشتار مردم به ویژه انقلابیون مشغول هستند، خریداری می‌کند.

### با پخش اعلامیه‌های جعلی به نام سازمان‌های انقلابی

## راديو بغداد علیه مردم ایران تبلیغ می‌کند

روزافزون خود را در اقطار توده‌ها مشاهده می‌کنند تا به ماهیتشان به کشف‌ترین و ردیلا نه‌ترین سبوه‌ها برای کسب آبرو و اعتبار منوسل می‌شوند. آنها سعی می‌کنند با جعل نامه‌هایی سراپا دروغ که گویا از طرف انقلابیون ایران برای راديو بغداد ارسال می‌شود، با قرائت اعلامیه‌ها و نشریات سازمان‌های انقلابی مورد اعتماد توده‌های مردم و با دلسوزی مودیان برای اسر سازمانها از طریق بلندگوی تبلیغاتی خود بر ماهیت

بخش فارسی خود را دقیقاً بر اساس بهره‌گیری از نارضائی حاصل از این امر تنظیم می‌نماید:  
از یکسو با پخش موسیقی منحنط آریامهری سعی در به انحراف کشاندن نیار توده‌ها به موسیقی رزمنده و انقلابی دارد تا به این ترتیب اخلاقیات منحنط رژیم شاهنشاهی را رایج سازد. و از سوی دیگر با ارائه اخبار و تفسیرهای جعلی از اوضاع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی حقایق را تحریف و به خورد مردم می‌دهد. سردمداران عراق که رسوائی و بی‌حیثیتی

انقلابی میهن ماست و این همه در حالی است که اختناق و جعل و تحریف و سانسور حاکم بر راديو تلویزیون جمهوری اسلامی ایران و سیاست‌های ارتجاعی گردانندگان آن که از ارتقاء آگاهی توهها سخت در هراسند، نه تنها حتی ذره‌ای شوز و شوق زحمتکشان به آموختن و دانستن را برآورده نمی‌کند بلکه بیزاری و نفرت مردم آگاه از تبلیغات عوامفریبانه و سراسر دروغ راديو - تلویزیون را برانگیخته‌است.  
راديو عراق برنامه‌های

حکومت ایران را در جهت مقاصد برنامه‌های خود مورد بهره‌برداری قرار دهد، در سیاست‌های راديوئی خود نیز این خط مشی را در پیش گرفته است.  
مردم میهن ما برزمینه روحیه رزمنده و مبارزه‌جویانه خود، تشنه آگاهی‌اند. آنها می‌خواهند از واقعت حوادث و جریاناتی که در داخل کشورشان و در دیگر نقاط جهان می‌گذرد مطلع باشند. برنامه‌های آموزشی - انقلابی راديو تلویزیونی (تفسیر سیاسی، موسیقی، فیلم و...) اکنون نیاز توده‌های

رژیم عراق که دستن تا آرنج به خون زحمتکشان کرد و عرب آغشته است و با سرکوب و کشتار انقلابیون عراق و دشمنی با مردم کردستان عراق ماهیت سرکوبگرانه خود را به نمایش گذاشته است. مدعی است که از طریق بخش فارسی برنامه راديوئی خود به نحو مودیان‌های سعی در منحرف ساختن اذهان توده‌های مردم ایران دارد.  
رژیم عراق که همواره سعی کرده است نارضائی مردم میهن ما از سیاست‌های صدامتلاسی و سازشکارانه

## پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر